



# تاریخ امر

## فهرست تاریخ

<u>صفحه</u>	
۳	۱- شیخ احمد احسائی
۴	۲- سید کاظم رشتی
۵	۳- حضرت باب قبل از اظهار امر
۶	۴- اظهار امر حضرت اعلی
۷	۵- مقام حضرت اعلی
۷	۶- دوران حیات حضرت اعلی پس از اظهار امر
۱۱	۷- مؤمنین اولیه (حروف حی)
۱۳	۸- آثار مهم حضرت اعلی
۱۳	۹- وقایع مهم دوره بیان
۳۰	۱۰- شهادت حضرت اعلی
۳۴	۱۱- پیشرفت امر در زمان حضرت اعلی
	* * *
۳۴	۱۲- تاریخ حیات حضرت بهاءالله قبل از ظهور حضرت اعلی
۳۵	۱۳- قیام حضرت بهاءالله بر نصرت امر حضرت اعلی
۳۷	۱۴- زندان سیاه جال و اظهار امر خفی مبارک
	۱۵- هجرت حضرت بهاءالله از ایران به بغداد
۳۹	و اظهار امر علنی در بغداد
	۱۶- سرگونی حضرت بهاءالله به اسلامبول و
۴۱	ادرنه و عکا و اعلان عمومی امر
۴۴	۱۷- مقام حضرت بهاءالله
۴۵	۱۸- آثار مهم حضرت بهاءالله

- ۴۶ — ۱۹ — صعود حضرت بهاء الله
- ۴۷ — ۲۰ — انتشار امر در دوران حضرت بهاء الله
- \* \* \*
- ۴۸ — ۲۱ — شرح مختصر حیات حضرت عبد البهاء
- ۴۹ — ۲۲ — مقام حضرت عبد البهاء
- ۵۱ — ۲۳ — سفرهای تبلیغی حضرت عبد البهاء به  
اروپا و آمریکا و آثار و نتایج آن
- ۵۳ — ۲۴ — آثار مهم حضرت عبد البهاء
- ۵۶ — ۲۵ — پیشرفت امر در دوره حضرت عبد البهاء
- ۵۶ — ۲۶ — صعود حضرت عبد البهاء
- ۵۷ — ۲۷ — شرح حیات حضرت ولی امر الله
- ۵۸ — ۲۸ — مقام حضرت ولی امر الله
- ۵۸ — ۲۹ — پیشرفت امر در دوران ولایت
- ۶۲ — ۳۰ — آثار و توقیعات مهم حضرت ولی امر الله
- ۶۳ — ۳۱ — صعود حضرت ولی امر الله
- \* \* \*
- ۶۴ — ۳۲ — وضع جامعه بهائی بعد از صعود حضرت  
ولی امر الله
- ۶۵ — ۳۳ — تأسیس بیت العدل اعظم
- \* \* \*
- ۶۷ — ۳۴ — شرح اعلام تاریخ امر بهائی

## شیخ احمد احسائی

شیخ احمد احسائی در ۱۱۶۲ هجری قمری در یکی از قریه‌های احساء تولد یافت و تا سال ۱۱۸۶ هجری در احساء تحصیل علم کرد در این سال به سوی کربلا و نجف سفر نمود و به زیارت مقامات مقدّسه نایل شد و چون از ظهور جدید که موعود قرآن مجید است و بشارت میداد خود نیز در تکاپوی مهدی موعود بود جناب شیخ احمد سفری به ایران نمود و با فتحلی شاه قاجار ملاقات کرد و در این دیدار شاه شیفته او گشت چون آوازه شیخ در همه جا پیچید عده ای که تفسیرات شیخ را با ظاهر احادیث موافق ندیدند از در مخالفت درآمدند تا آنجا که شیخ احمد احسائی را کافر بشمار آوردند .

- 
- |                         |                            |
|-------------------------|----------------------------|
| ۱- قریه: ده ، شهر       | ۲- تحصیل: بدست آوردن       |
| ۳- زیارت: به قصد دیدار  | ۴- موعود: وعده داده شده    |
| تبرک جویی به جای مقدّمی | ۵- مجید: بزرگوار           |
| وتبرک رفتن .            | ۶- بشارت: مژده             |
| ۷- تکاپو: جستجو         | ۸- مهدی: هدایت‌گر دیده     |
| ۹- ملاقات: دیدار کردن   | (از جانب خدا) ، نام موعود  |
| ۱۰- شیفته: عاشق         | مسلمین در بعضی احادیث      |
| ۱۱- آوازه: شهرت         | ۱۲- احادیث: گفتار ،        |
| ۱۳- موافق: همراه ،      | فرمایشات خاصّ حضرت رسول    |
| سازگار                  | که از طریق صحابه و یا تابع |
| ۱۴- کافر: خدانشناس      | نقل شده باشد . مفرد: حدیث  |

شیخ احصائی دارای تألیفات چندی است که از آن جمله کتاب شرح الزیارة او است. هنگامی که در سال ۱۲۴۲ هجری به سفر حج رفته بود در مدینه وفات کرد.

### سید کاظم رشتی

پس از درگذشت شیخ یکی از شاگردان او به نام سید کاظم رشتی به مقام جانشینی او رسید سید کاظم مانند استاد خویش پیوسته شاگردان خود را به ظهور قائم موعود بشارت میداد و در تألیفات خود به خصوص کتاب شرح قصیده بشارت ظهور قائم را به کنایه بیان نموده است.

سید کاظم در سال ۱۲۵۹ هجری درگذشت بعد از وفات سید کاظم مجلس درسی او از هم پاشید. حتی بعضی از شاگردان سید به جناب ملاحسین بشرویه‌ای که خود از اعضای کلاس بود تکلیف کردند تدریس را به عهده بگیرد ولی او از این کار سرباز زد و گفت که چون ظهور قائم نزدیک است همه باید در جستجوی او باشیم و به نقاط مختلف سفر کنیم بلکه او را

- |                      |                        |
|----------------------|------------------------|
| ۱- وفات: مرگ         | ۲- استاد: آموزگار      |
| ۳- قائم: قیام کننده  | ۴- کنایه: به اشاره سخن |
| ۵- تکلیف: کاری دشوار | گفتن                   |
| به عهده کسی گذاشتن   | ۶- تدریس: در دادن      |

بیابیم زیرا استاد بزرگوار ما جناب سید کاظم وصیت کرده که همه ترک منزل و خانمان گوئیم و در شهرها و نقاط به جستجوی قائم بپردازیم .

### حضرت باب

روز اول محرم سال ۱۲۳۵ هجری قمری در شهر شیراز دیده به جهان گشود که نام او را سید علی محمد نهادند نام پدرش سید محمد رضا و نام مادرش فاطمه بیگم بود . پدر حضرت اعلی در ایام کودکی آن حضرت این جهان را بدرد گفت و یکی از دایی های آن حضرت به نام حاج سید علی سرپرستی وی را به عهده گرفت از همان ابتدای کودکی آثار پرهیزکاری و نجابت در سیمای آن حضرت نمودار بود بنحوی که در بین مردم به سید ذکر معروف گشت . آن حضرت در سن ۲۲ سالگی

- ۱- وصیت : نصیحت و ۲- خانمان : خانه ، زن و سفارشی که قبل از مرگ نمایند ، نرزند ، اسباب زندگانی
- ۳- باب : در ، دروازه ۴- سید : بزرگ ، در اسلام
- ۵- بیگم : خانم ، بانو به کسیکه نسبتش به حضرت
- ۶- اعلی : بالاتر رسول برسد .
- ۷- ایام : روزها ، مفرد : یوم ۸- سرپرستی : نگهداری ،
- ۹- پرهیزگاری : درستکاری پرستاری
- ۱۰- نجابت : اصالت ، ۱۱- سیما : چهره
- ۱۲- نمودار : ظاهر و آشکار بزرگواری ، شرافت

با دختری موسوم به خدیجه بیگم ازدواج فرمود و دارای  
پسری شدند که نام او را احمد نهادند لیکن پس از چندی  
این کودک درگذشت.  
اظهار امر حضرت اعلی

چون سید کاظم رشتی به جهان باقی شتافت  
شاگردانش به اطراف پراکنده شدند تا بلکه نشانی از  
محبوب بی نشان باز یابند. از جمله یکی از شاگردان  
به نام ملاحسین بشرویه‌ای باتنی چند از دوستان خود  
عزم سفر شیراز کرد و در این شهر به لقای قائم موعود  
رسید. این ملاقات تا پاسی از نیمه شب پنجم جمادی-  
الاولی سال ۱۲۶۰ هجری به طول انجامید. در آن  
شب قسمتی از تفسیر سوره یوسف از قلم حضرت باب  
نازل شد و همان شب جناب ملاحسین ایمان خود را  
به آن حضرت ابراز داشت و در صد تبلیغ امر برآمد  
در آن هنگام سن مبارک حضرت باب ۲۵ سال بود.

- 
- ۱- موسوم: نامیده شده
  - ۲- محبوب: عزیز و گرامی ،  
معشوق
  - ۳- عزم: تصمیم به عمل
  - ۴- لقا: دیدار
  - ۵- پاسی: قسمتی از شب
  - ۶- سوره: هر قطعه یا  
یا روز
  - ۷- نازل: فرود آورده ،  
مجموعه مستقل از آیات الهی
  - ۸- ابراز: آشکار کردن
  - ۹- تبلیغ: رساندن پیام یا مطلبی به مردم

## مقام حضرت باب

حضرت باب دارای دو مقام بودند یکی مقام تبشیر که به ظهور بعد از خود بشارت میدادند و دیگری مقام تأسیس شریعت جدید در مقام تبشیر آن حضرت به موعود کلی الهی که مورد انتظار جمیع کتب مقدّسه است بشارت میدادند و در مقام تأسیس خود آن حضرت همان موعودی هستند که در اصطلاح شیعیان به قائم آل محمّد و در اصطلاح اهل سنت به مهدی موعود و به زبان انجیل ظهور یحیی تعمید دهنده و به بیان تورات در ظهور ایلیا نبی و طبق کتاب مقدّس زردشتیان به نزول هوشیدر بشارت داده شده اند.

### دوران حیات حضرت اعلی پس از اظهار امر

حضرت اعلی پس از اظهار امر عازم سفر حج شدند و در این سفر جناب قدّوس همراه ایشان بود در مکه نیز از

- ۱- مقام: رتبه
- ۲- تبشیر: مژده دادن
- ۳- تأسیس: ایجاد کردن
- ۴- شریعت: دیانت
- ۵- اصطلاح: لغتی که
- ۶- آل: خانواده
- ۷- محمّد: صاحب اخلاق نیکو
- کنند، جمع: اصطلاحات
- ۸- تعمید: غسل دادن
- ۹- نبی: بردهنده از
- ۱۰- مقدّس: مبارک
- غیب یا این: به الهام الهی
- ۱۱- نزول: فرود آمدن
- جمع: از باء
- ۱۲- حیات: زندگی



مأموریت آسمانی خویش به حجاج و به شریف مکه اطلاع دادند این سفر مدت ۹ ماه طول کشید تا آخر کار به بوشهر وارد شدند چون علما از مراجعت آن حضرت باخبر شدند بنای مخالفت گذاشتند و حسینخان ایروانی حاکم فارس برای خاموش کردن علماء مأمورینی به بوشهر فرستاد و آنان حضرت باب راه شیراز آوردند و در مجلسی با حسینخان حاکم فارس روبرو شدند و در آن مجلس کار گفتگو و مباحثه گرم شد و آن حضرت ادعای خویش را بیان فرمودند حسینخان از شنیدن آن برآشفته و اهانت نمود باری آن حضرت پس از آن مجلس در منزل دایی خویش اقامت گزیدند ولی آوازه ظهور جدید در فارس و تمام ایران پیچید ناگزیر حسینخان این خبر را به حاج میرزا آقاسی صدراعظم ایران اطلاع داد .

- |                             |                           |
|-----------------------------|---------------------------|
| ۱- عازم : قصد کننده         | ۲- مأموریت : وظیفه ،      |
| ۳- حجاج : حج گزاران         | خواستن اجرای امری از کسی  |
| مفرد : حاج                  | ۴- علماء : دانشمندان      |
| ۵- مأمورین : کسانی که اجرای | مفرد : علیم               |
| امری از آنها خواسته شده     | ۶- مباحثه : باهم بحث کردن |
| باشد ، مفرد : مأمور         | ۷- ادعا : مدعی شدن        |
| ۸- اهانت : تحقیر            | ۹- اقامت : درجایی ماندن   |
| ۱۰- ناگزیر : ناچار          | ۱۱- صدراعظم : نخست وزیر   |
| ۱۲- اطلاع : آگاه شدن        |                           |

## ملاقات آقا سید یحیی دارابی ملقب به وحید کشتی

### نماینده محمد شاه قاجار

پس از اطلاع این خبر محمد شاه یکی از بزرگترین علماء طهران یعنی آقا سید یحیی دارابی ملقب به وحید کشتی را به نمایندگی خود به شیراز فرستاد تا از چگونگی موضوع اطلاع حاصل نماید آقا سید یحیی نیز چندین جلسه با حضرت باب ملاقات و سپس ایمان خود را ابراز داشت و در جمع مبلغین امرش وارد و بالاخره هم به شهادت رسید .

حسین خان حاکم فارس که از انتشار امر حضرت باب هراسان شده بود شبانه مأمورینی به منزل دایی حضرت فرستاد و آن حضرت را به اتفاق سید کاظم زنجانی گرفته عازم دارالحکومه شدند ولی در راه خبر رسید که بیماری وبا در شیراز شیوع یافته و حاکم فرار کرده لذا حضرت باب به منزل عبد الحمید خان داروغه وارد شدند .

۱- ملقب : کسیکه لقب دارد یا لقبی به او داده شده

۲- مبلغ : تبلیغ کننده      ۳- انتشار : منتشر شدن

۴- هراسان : ترسان      ۵- بخش شدن

۵- اتفاق : همراهی      ۶- دارالحکومه : اداره

۷- شیوع : انتشار پیدا      فرمانداری

کردن خبر

۸- داروغه : رئیس پاسبانان و نگهبانان شهر

## حرکت حضرت باب‌بهاصفهان

در روزهای آخر تابستان سال ۱۲۶۲ هجری آن حضرت بهاصفهان مسافرت فرمودند و به منزل میرسید محمد امام جمعه اصفهان وارد شدند چندی نگذشت که شهرت آن حضرت در شهر پیچید ، دشمنان و علمای مخالف حکم قتل آن حضرت را صادر کردند . منوچهر خان معتمد الدوله حاکم اصفهان که خبر را شنید شبانه آن حضرت را با عده‌ای سوار ظاهرا "به طرف طهران حرکت داد ولی پنهانی آن حضرت را از نیمه راه دوباره به اصفهان برگرداند و در عمارت خورشید مکان داد . پس از چند ماه منوچهرخان درگذشت و برادر زاده او گرگین خان حاکم اصفهان شد . و چون او از اقامت آن حضرت در اصفهان آگاه شد نامه‌ای به محمد شاه نگاشت محمد شاه فرمان داد تا حضرت باب را به طهران بیاورند .

حضرت اعلی پس از سه روز اقامت در کاشان از کنار شهر قم گذشت و به قریه کنارگرد رسیدند در این موقع مأموری از طهران پیام آورد که آن حضرت را به قریه کلین ببرند پس از چندی دستور جدید رسید که آن حضرت را به ماکو ببرند آن حضرت مدت ۹ ماه در قلعه

- ۱ - شهرت : مشهور شدن ۲ - صادر : ظاهر شده
- ۳ - حبس : زندان ۴ - قلعه : محوطه‌ای وسیع
- که بادیوارهای محکم و برج و بارو محکم و محصور گردد .

ماکو حبس شدند و پس از آن مدت بیست و هفت ماه در قلعهٔ چهریق زندانی شدند تا آنکه حضرت باب را به تبریز آوردند و به شهادت رسانیدند .

### حروف حی

پس از اظهار امر حضرت اعلیٰ در سنه ۱۲۶ هجری قمری مطابق ۱۸۴۴ مسیحی ۱۸ نفر به آن حضرت ایمان آوردند مؤمنین اولیّه به حضرت باب از طرف آن حضرت به (حروف حی) موسوم شدند . از این تعداد ۱۲ نفر آنان دیده‌دیداران حضرت روشن کردند و فقط یک نفر آنها که حضرت طاهره و موسوم به قرّة العین است بدون زیارت آن حضرت ایمان آورد اولین مؤمن از این گروه ملاحسین بشرویه ای ملقب به باب‌الباب و آخرین نفر آنها ملامحمد علی با رفروشی ملقب به قدّوس بود .

ملاحسین بشرویه‌ای یکی از چهره‌های تابناک این دنیا است او از همان ابتدا ای ایمان به تبلیغ امر حضرت باب پرداخت و در همه جا بشارت به ظهور موعود میداد تا آنکه در حوادث قلعه طبرسی در سن ۳۶ سالگی به شهادت رسید.

---

۱ - شهادت : کشته شدن ۲ - حی : زنده ، به ۱۸ نفر  
 یانوت کردن در رسایل حق مؤمنین اولیّه حضرت اعلیٰ  
 ۳ - قرّة العین : در اصطلاح اطلاق میشود .  
 نارسى "نور دیده" و "روشنی ۴ - قدّوس : پاک و مقدّس از چشم"

۵ - ابتدا : شروع کردن ۶ - حوادث : هر واقعه‌ی  
 ۷ - حضرت : حضور ، درگاه امری که خارج از اختیار واقع  
 ۸ - طاهره : پاک شود .

حضرت طاهره که نام اصلی اش فاطمه بود نیز یکی دیگر از چهره‌های درخشان و شیفتگان این امر نازنین است پدرش ملاح از مجتهدین معروف قزوین بود حضرت طاهره در طهران در سن ۳۶ سالگی به شهادت رسید و جسد او را در چاهی در باغ ایلخانی به چاه افکندند نام طاهره را در اجتماع بدشت حضرت بهاء الله بر او نهادند و لقب (قرّة العین) را سپید کاظم رشتی بدو داده بود آخرین نفر از حروف حسی ملاح محمد علی بارنروشی (قدّوس) بود که حضرت بهاء الله او را به (نقطه اخری) موسوم فرمودند. او پس از سفرهای تبلیغی بسیار به شهرها و دیار و پس از شرکت در حوادث قلعه طبرسی و دلالت اصحاب قلعه بالاخره اسیر گردید و پس از چندی در سبزه میدان

- 
- ۱- درخشان : روشن
  - ۲- مجتهد : کوشش کننده ،
  - ۳- معروف : دانسته
  - ۴- اجتماع : دور هم گرد آمدن
  - ۵- لقب : نام و پیمانهای شرعی را از روی قرآن ، سنت ، دیگر غیر از اسم اول است
  - ۶- اخری : دیگر ، پس
  - ۷- دیار : خانه ها ، مساکن نسبت بر شخص مینهند .
  - ۸- دلالت : راهنمایی کردن
  - ۹- اصحاب : یاران ، پیروان
  - ۱۰- مساکین : فقرا ، بیچارگان

بار فروش (بابل) به شهادت رسیدند .

### آثار حضرت اعلی

از مهمترین آثار آن حضرت کتاب بیان است که در زندان ماکو نازل شده . اول کتاب بیان عربی نازل گردید و بعد بیان فارسی . کتاب بیان در سال چهارم اظهار امر آن حضرت نازل گردید در کتاب بیان و آثار سایر حضرت اعلی پیشگویی به ظهور حضرت من یظهره - الله شده که همان حضرت بهاء الله باشد .

دیگر تفسیر سوره یوسف یا احسن القصص است که به استدعای ملاحسین باب الباب بر سوره یوسف یکی از سوره های قرآن مجید تحریر شد .

### وقایع مهم دوره بیان : گرد آمدن بابیان در بدشت

بدشت در نزدیکی شاهرود و بین راه خراسان و مازندران نزدیک قریه ای بنام هزار جریب قرار دارد . در این اجتماع حضرت بهاء الله ، حضرت طاهره ، جناب قدّوس و عده دیگر از یاران که جمعا ۸۱ نفر میشدند شرکت کردند . منظور از جمع شدن اصحاب

۱- اسیر: گرفتار - ۲- آثار: خیرها ، حدیثها

جمع: اسراء - مفرد: اثر

۳- مطابق: یکسان ، ۴- من یظهره الله: کسی که

برابر خد اوند او را ظاهر میسازد .

۵- احسن القصص: - ۶- استدعا: درخواست کردن

بهترین ، رزد استان سرایی بانروتنی ، دلب ، تقاضا

در این نقطه ، یافتن راه حلی برای د و مشکل بود .  
 اول آزاد کردن حضرت اعلی از زندان ماکو د و م  
 اعلان استقلال شریعت جدید . این احتفال تاریخی  
 مدت ۲۲ روزه طول انجامید و منجر به اعلان استقلال  
 شریعت حضرت باب گشت .

### حوادث قلعه طبرسی

هنگامیکه جناب باب الباب در مشهد به تبلیغ امر  
 جدید مشغول بودند جناب قّدوس د رساری گرفتار  
 بودند در این زمان از حضرت باب د ستوری به جناب  
 باب الباب رسید که برای مساعدت به جناب قّدوس به  
 مازندران بروند . ملا حسین باب الباب هم برای  
 اطاعت د ستور مولای خویش با د ویست ود و نفر از پیروان  
 خود علم‌های سیاه برافراشته و روانه مازندران شدند  
 از این پس در طول راه و شهرهای مختلف مازندران  
 حوادثی پدید آمد که مهمترین آن حادثه قلعه  
 طبرسی است . چون باب الباب و همراهانشان به بارفرو

- |                          |                        |
|--------------------------|------------------------|
| ۱- وقایع پیش آمدها       | ۲- گرد آمدن : جمع شدن  |
| ۳- اعلان : آشکار کردن    | ۴- استقلال : آزادی     |
| ۵- احتفال : تشکیل محفل   | داشتن                  |
| دادن                     | ۶- منجر : کشیده شده    |
| ۷- مساعدت : کمک کردن     | ۸- اطاعت : فرمانبرداری |
| ۹- مولا : سرور           | کردن                   |
| ۱۰- علم : پرچم           | ۱۱- روانه : راهی       |
| ۱۲- پیروان : دنباله روان |                        |

(بابل) رسیدند به کاروان سرای سبزه میدان این شهر وارد شدند .

از همان ابتدا دشمنان مخالفت خویش را آغاز کردند از جمله هنگام نماز، جوانی از پیروان باب‌الباب بر بام رفته و اذان می‌گفت که ناگاه تیری از خفا درآمده بر او خورد و او را به زمین افکند باب‌الباب دستور داد تا دیگری بر بالای بام رفته اذان را ادامه دهد تا اذان به پایان رسید سه نفر به شهادت رسیدند در اینجا بود که ملا حسین فرمود تا اصحاب برای دفاع در کاروانسرا را باز کردند و به دشمنان حمله نمودند و این حمله شجاعانه اصحاب به دشمنان با پیروزی به پایان رسید .

عباسقلی خان لاریجانی حاکم مازندران خسرو قادیکلای را با صد نفر سوار مأمور کرد تا جناب ملا حسین و اصحاب را به شیرگاه برسانند چون اصحاب به راه افتادند خسرو قادیکلای راه خیانت پیمود و در وسط جنگل به اصحاب حمله برد اما سزای عمل خود را دید و به دست یکی از اصحاب جناب ملا حسین به قتل رسید . فردای آن روز اصحاب به راه افتادند تا به قلعه طبرسی رسیدند .

- 
- |                         |                             |
|-------------------------|-----------------------------|
| ۱- اذان : اعلام و آگاهی | ۲- خفا : پنهانی             |
| کردن                    | ۳- دفاع : بدی و آزاری را از |
| ۴- خیانت : نادرستی      | خود یاد دیگری دور کردن      |
| کردن                    | ۵- سزا : پاداش              |



در این موقع اصحاب به تعمیر قلعه مشغول شدند و چون کار دیوار کشی به پایان رسید شیخ ابوتراب اشتهاردی به قلعه وارد شد و خبر آورد که حضرت بهاء الله به قریه نظرخان وارد شده اند هنگام غروب حضرت بهاء الله همراه نظرخان به قلعه تشریف بردند برای بار دوم حضرت بهاء الله همراه حاجی میرزا جانی کاشانی و یکی از حروف حی ویحیی ازل از قریه نور عازم قلعه شدند اما در راه گرفتار شدند و دشمنان آن حضرت را به آمل بردند و پس از زجر و چوبکاری از دست دشمنان آزاد شدند و به طهران مراجعت فرمودند .

ملا مهدی خوئی بعد ستور حضرت بهاء الله باشش نفر از اصحاب به ساری رفت تا جناب قدّوس را از زندان ملا محمد تقی آزاد کنند میرزا محمد تقی مقاومتی نکرده و جناب قدّوس را آزاد نمود .

جناب قدّوس روانه قلعه طبرسی شدند . جناب باب الیاب همراه صد نفر به پیش باز ایشان رفتند جناب قدّوس در قلعه به نوشتن بقیّه تفسیر کلمه حمد و تفسیر حرف صاد همّت گذاشتند . هر روز جناب ملا حسین از

- ۱- تعمیر: آباد کردن  
 ۲- زجر: اذیت ، آزار  
 ۳- چوبکاری: کسی را با چوب زدن  
 ۴- مقاومت: ایستادگی کردن  
 ۵- همّت: کوشش و سعی

آثار قدّوس برای اصحاب می آوردند و آنان هم با کمال شوق آن آثار را می خواندند .  
 در این هنگام تعداد اصحاب به سیصد و سیزده نفر رسیده بود و مصداق نبوّات قبل ظاهر شده بود .  
 جناب قدّوس امر کرد که دیگر کسی را به قلعه راه ندهند . سعید العلماء که از دشمنان امربود نامه ای به ناصرالدّین شاه نوشت و پادشاه را علیه اصحاب تحریک نمود .

ناصرالدّین شاه فرمان دایر به حمله به اصحاب برای عبداللّه خان ترکمان صادر کرد و همراه بانثانی برای او فرستاد عبداللّه خان دوازده هزار نفر سوار فراهم آورد و آنانرا در قریه انرا که مشرف بر قلعه طبرسی بود تمرکز داد و بلافاصله اطراف قلعه را محاصره کرد . و چون جناب قدّوس وضع را چنین دید همراه جناب ملا حسین از قلعه خارج شدند و به سپاهیان حمله کردند و عبداللّه خان ترکمان وعده های از لشکریان را کشتند و بقیّه لشکریان هم فراری شدند .

- |                              |                          |
|------------------------------|--------------------------|
| ۱- کمال : تمام               | ۲- شوق : آرزومندی و میل  |
| ۳- مصداق : شاهد و            | خاطر                     |
| دلیل درستی                   | ۴- نبوّات : پیشگوئی      |
| ۵- تحریک : به جنبش           | ۶- دایر : دور زننده      |
| در آوردن                     | ۷- مشرف : از بالا نگاه و |
| ۸- محاصره : دورتادور         | مراقبت کننده             |
| را گرفتن و در میان قرار دادن |                          |

بعد ستور جناب قدّوس در اطراف قلعه خندقی حفر شد بعد خبر رسید که شاهزاده مهدیقلی میرزا با لشکریان بسیار به طرف قلعه آمده جناب قدّوس همراه بابالباب و ۲۰۲ نفر از اصحاب از قلعه خارج شده و به طرف دشمنان حمله کردند. شاهزاده چون کار را بدین سان دید خود را به خندق انداخت و فرار کرد دشمنان دوباره حمله کردند و در این حمله بود که گلوله‌ای به دهان جناب قدّوس خورد و او را مجروح نمود در این حمله هم اصحاب پیروز شدند و به قلعه برگشتند.

بار دیگر حمله دشمنان آغاز شد لشکریان عباسقلی خان لاریجانی نیز به سپاهیان شاهزاده مهدیقلی میرزا پیوستند و اطراف قلعه سنگر ساختند جناب ملاحسین با جمع کثیری از اصحاب از قلعه خارج شدند و به دشمنان تاختند سنگرهای آنان را درهم شکستند. هنگام حمله جناب ملاحسین هدف گلوله عباسقلی خان لاریجانی قرار گرفتند و به سختی مجروح شدند و نفر از اصحاب ملاحسین را به قلعه بردند در آنجا بود که جناب ملاحسین صعود کردند.

- 
- ۱- خندق: گودال عریض ۲- حفر: کندن زمین  
 که دور شهر یا قلعه بکشند ۳- تاختند: حمله کردند  
 ۴- صعود: بالا رفتن، در اصطلاح بهائی به درگذشتن و فوت کردن نیز اطلاق میگردد زیرا روح مؤمن ارتقاء می جوید.

چون خبر درگذشت ملا حسین به عباسقلی خان -  
 لاریجانی رسید او بار دیگر با سپاهیانش به قلعه  
 حمله برد در این زمان هجده نفر از اصحاب به آنان  
 حمله کردند و دشمنان پا به فرار گذاشتند چون  
 شاهزاده مهدیقلی میرزا از این شکست یاخبر شد با  
 لشگری بسیار به طرف قلعه روان شد و چند روز قلعه را  
 پی در پی به توپ بست اصحاب در تنگی افتادند و از  
 گوشت اسبها و چرم زینها و علفهای خشک میخوردند  
 چون شاهزاده مهدیقلی میرزا مقاومت اصحاب را دید  
 از کار خود دلسرد شد قرآنی مهر کرده و به اصحاب  
 امان داد و به نزد جناب قدّوس نرستاد که آنان از قلعه  
 خارج شوند.

جناب قدّوس ود ویست ود و نفر از اصحاب به اردوی  
 شاهزاده وارد شدند سربازان به اصحاب خیانت  
 کرده هنگام صرف غذا به آنان حمله کردند و اکثر آنان  
 را کشتند بعد از پایان کار شاهزاده جناب قدّوس را  
 با خود به بار فروش (بابل) برد و مجلسی آراست گسه  
 در آن سعید العلماء و کلبه علمای شهر بار فروش و جناب  
 قدّوس شرکت داشتند سؤال و جواب آغاز گردید و  
 بحث به سروصدای علماء انجامید و در آخر مجلس  
 شاهزاده رفت و جناب قدّوس در دست علماء گرفتار

- 
- ۱- دلسرد: ناامید  
 ۲- امان: پناه  
 ۳- اردو: لشکر  
 ۴- بحث: گفتار

آمد . جناب قدّوس راسروپا برهنه بازنجیر در کوچیه و بازارگردانند و بدن مبارکش را پاره پاره کردند و آخر کار جسد او را به آتش افکندند .

نیمه شب چند تن از اصحاب بقایای جسد آن بزرگوار را جمع کردند و نزدیک قربانگاهش به خاک سپردند .

### واقعه نیریز

چون خیرجانبازی های اصحاب درمازندران به سید یحیی وحید دارابی رسید ایشان در سفر بروچگرد و کردستان بودند فوری به طهران رفتند و می خواستند از آنجا بهمازندران بروند که حضرت بهاءالله او فرمودند راه ورود به قلعه طبرسی بسته است . جناب وحید پیش از آن به شهرهای دیگر سفر کردند تا به یزد رسیدند و آوازه امر در یزد نیز منتشر شد .

عده ای به دشمنی برخاستند جناب وحید هم از یزد به طرف نیریز حرکت کردند . چون به نیریز رسیدند مردم دسته دسته به نزد ایشان رفتند حاکم شهر ترسید و در پی چاره برآمد هزار نفر سرباز گرد آورد و به داخل شهر در یکی از قلعه ها رفت . جناب وحید هم با پیروانش به محله چنار سوخته به قلعه خواجو کوچ

۱- افکندند : پرت کردند ۲- بقایا : آنچه باقی مانده

۳- بزرگوار : شخص بزرگ و ۴- جانبازی : فداکاری

شریفوستوده ۵- کوچ : حرکت عده ای از مردم از سرزمینی به سرزمین دیگر

کردند .

چون وحید دارابی خود ویارانش را در خطر محاصره دید دستور داد که اصحاب به سربازان حمله کنند اصحاب به لشکر دشمن تاختند و لشکر دشمن را متفرق کردند چون خیر به حاکم فارس رسید بسیار ترسید و به حاکم نیریز دستور داد که با بیان راکشتار نمایند حاکم نیریز هم با سربازان بسیار به قلعه تاخت . اصحاب ایشان حمله کردند و آنان را شکست دادند در این واقعه حدود شصت نفر از یاران وحید به شهادت رسیدند . چون دشمنان دلیری جناب وحید و اصحاب را دیدند به فکر فریب افتادند و نامه‌ای همراه باقرآن برای آنان فرستادند و سوگند یاد نمودند که با آنان کاری نداشته باشند جناب وحید با اطلاع از نیرنگ حاکم فارس به طرف اردوی حاکم رفتند . حاکم بسیار احترام گذاشت جناب وحید بنابه خواهش حاکم نامه‌ای به اصحاب نگاشتند که از قلعه خارج شوند در همان زمان نامه‌ای دیگر به اصحاب نوشتند که می‌ادانند فریب دشمنان را بخورند و این دو نامه را به حاجی سید عابد دادند . حاجی خیانت کرد و نامه را پیش حاکم برد . چون حاکم

- ۱- متفرق : پراکنده  
 ۲- کشتار : کشتن  
 ۳- دلیری : شجاعت  
 ۴- فریب : حيله  
 ۵- سوگند : قسم  
 ۶- نیرنگ : فریب  
 ۷- عابد : عبادت کننده جمع: عباد ، عابدون

از جریان باخبر شده او گفت نامهٔ اول را نقطه به صاحب نشان دهد. او هم چنین کرد اصحاب هم طبق دستور جناب وحید در نامهٔ اول از قلعه خارج شدند و گرفتار سربازان حاکم شدند عده‌ای کشته شدند بعضی به مسجد جامع پناه بردند آنگاه عده‌ای از ایشان جناب وحید را گرفته عمّامه را از سرشان برداشته به گردن آن بزرگوار پیچیدند در کوچه و بازار گردانیدند و به شهادت رسانیدند.

### واقعه زنجان

در اواخر ایام حضرت اعلیٰ یکی از علمای مشهور و بلند آوازهٔ زنجان به نام ملا محمد علی حجّت الاسلام زنجانی در اثر تحقیق به امر حضرت باب ایمان آورد. او مورد لطف و توجّه محمد شاه قاجار بود پیروان بسیار داشت. دشمنان از جناب حجّت پیش رجال دولت بدگویی کردند و نامه به محمد شاه نوشتند محمد شاه جناب حجّت و عده‌ای از علمای زنجان را به طهران فرستاد خواند و آنان را در مجلسی روبروی هم به بحث کشانید و هر چه علما سؤال کردند جناب حجّت جواب کافی دادند بنحویکه محمد شاه از او اظهار رضایت کرد و او

- ۱- حجّة الاسلام: دلیل
- ۲- تحقیق: مطالعه نمودن و راهنما و پیشوای مسلمانان
- ۳- لطف: حفظ و حمایت الهی
- ۴- توجّه: روی آوردن
- ۵- رجال: مردان

را با خلعت به زنجان برگردانید. از آن پس حجّت از بالا منبر مرد مرابه امر جدید دعوت میکرد تا اینکه کار دشمنی با جناب حجّت بالا گرفت عده‌ای از او پیش حاجی میرزا آقاسی شکایت کردند. حاجی جناب حجّت رابه طهران فراخواند و از او درباره سخنان دیگران پرسش نمود جناب حجّت بی‌پرده از اعتقاد خویش به سید باب سخن گفت.

حاجی چون این سخنان را شنید یکسره نزد محمد شاه رفت و جریان را بشاه اطلاع داد. محمد شاه به سخنان حاجی میرزا آقاسی اعتنا نکرد. پس از درگذشت محمد شاه جناب حجّت به زنجان برگشتند. در آن زمان مجدالدوله عموی ناصرالدین شاه حاکم زنجان بود. به دستور او دوفتر پهلوان مأمور بازداشت جناب حجّت شدند. آنان به محله جناب حجّت رفتند. اما یکی از اصحاب به نام میرصلاح با هفت نفر دیگر از مؤمنین که مسلح بودند جلوی این دوفتر را

- |                           |                          |
|---------------------------|--------------------------|
| ۱- خلعت: جامه یا شال      | ۲- منبر: محل نشستن یا    |
| که به عنوان جایزه یا هدیه | کرسی مخصوص واعظها که     |
| وتشویق به کسی عطا میکردند | چندین پله از زمین بلندتر |
| ۳- اعتقاد: عقیده داشتن    | است جمع: منابر           |
| ۴- اعتناء: توجه داشتن     | ۵- مسلح: سلاح دار        |
- به امری یا کسی



گرفتند و میرصلاح به یکی از آن دو نفر که جسارت ورزیده بود زخمی زد . حاکم زنجان چون این خبر را شنید در صد تلافی برآمد . عده ای در حدود سه هزار نفر از اهالی دهات زنجان را برای جنگ آماده کرد .

جناب حجت و پیروان او نیز به قلعه علی مردان خان که در وسط شهر بود رفتند اصحاب منازل خود را به ساکنین قلعه دادند و آنان از قلعه خارج شدند صدرالدوله اصفهانی که با سربازان خویش عازم آذربایجان بوده در ستور امیر کبیر به زنجان رفت و به اصحاب قلعه حمله نمود ولی کاری از پیش نبرد و مورد غضب شاه واقع شد .

اصحاب در قلعه بیست و هشت سنگر ساختند و در هر سنگر نوزده نفر به دفاع مشغول شدند . یکی از چهره های درخشان این واقعه زینب بود که خود را به لباس مردان آراسته بود . او لباس رزم پوشید و تنگی بر دوش گرفته بود و جزو جنگجویان سنگر بود . جناب حجت بواسطه رشادت ها و شجاعت های زینب او را رستم علی لقب دادند او در یکی از حمله های پیش به

- ۱- جسارت: دلیری      ۲- تلافی: جبران کردن  
 ۳- امیر کبیر: منظور از      ۴- غضب: خشم  
 امیر کبیر در متن میرزا      ۵- آراسته: مرتب و منظم  
 تقی خان است.      ۶- رزم: جنگ  
 ۷- رشادت: قدرت      ۸- شجاعت: شجاع و دلیر

سنگرهای دشمنان در حالی که سه سنگر را خراب کرده بود و نگهبانان آنها را کشته بود گلوله باران شد و به شهادت رسید. حمله دشمنان به قلعه هر روز شدیدتر میشد. ناصرالدین شاه محمد خان امیرتومان را با پنج توج سرباز به زنجان فرستاد. امیرتومان به قلعه حمله کرد و چهارده توپ به طرف قلعه نشانه کرد. جنگ سختی در گرفت و در آخر کار در لشکر دشمن شکست افتاد در این پیکار حدود سیصد نفر از پیروان حجت شربت شهادت نوشیدند.

از جمله زنهایی که شجاعت بسیار داشت ام اشرف بود او در صف رزم اوران قلعه بود پسر او اشرف نیز ایمانی عجیب داشت. دشمنان هرچه خواستند او را از دیانتش باز گردانند میسر نشد به مادرش گفتند که او را نصیحت کند او فرزند خود را به استقامت دعوت کرد تا بالاخره در جلوی چشمان مادرش فرزندش را به شهادت رساندند. باری دشمنان به قلعه تاختند و هجوم خویش را افزون ساختند در حین نماز جناب حجت مجروح شد و نوزده روز پس از این جراحت وفات یافت. سربازان بعد از وفات جناب حجت به قلعه حمله

- ۱- توج: گروهی از مردم  
 ۲- پیکار: جنگ  
 ۳- میسر: سهل و آسان  
 ۴- استقامت: پافشاری  
 ۵- دعوت: تقاضا کردن برای  
 ۶- هجوم: حمله و یورش  
 ۷- جراحت: زخم جمع: جرات

کردند عده‌ای را کشتند و بعضی را اسیر کردند. تنی چند از اصحاب جسد جناب حجت رادر اطاقی مدفون ساختند و آن اطاق رابه روی جسد خراب کردند تا دشمنان پی نبرند. حاکم شهر هر چه جستجو کرد مدفن حجت را نیافت. لذا پسر هفت ساله حجت را فریب داد و با او گفت که میخواهم پدرت را در محلّ معینی به خاک بسپارم. چون محلّ مدفن پدر را بروز داد حاکم دستور داد تا جسد را بیرون آورند و به ریسمانی بستند و با طبل و شیپور در کوچه و بازار زنجان کشیدند بستگان جناب حجت رابه شیراز بردند و تمام دارایی آنان را از آنها گرفتند. در واقعه زنجان قریب هزار و هشتصد نفر از بابیان شریست شهادت نوشیدند.

### شهادت سبعة طهران

در اواخر ایام حضرت اعلی در طهران یکی از دشمنان امر که از سادات کاشان بود و با احناء رفت و آمد داشت راه خیانت سپرد او نام پنجاه نفر از احنای ساکن طهران را نوشته به سید حسین نامی از علمای کاشان مقیم طهران داد سید حسین هم آن

- 
- ۱- مدفن: پنهان شده ۲- مدفن: جای دفن کردن
  - ۳- معین: تعیین شده ۴- شهدا: کشته شدگان یا
  - ۵- سبعة: هفت (۷) درگذشتگان در راه خدا
  - ۶- سادات: بزرگان ۷- مقیم: کسیکه در جایی اقامت دارد

اسامی را به محمود خان کلانتر داد . مأمورین کلانتر چهارده نفر را گرفتند و نزد حاکم بردند کلانتر نزد امیر کبیر رفت و چاره جویی کرد . امیر کبیر دستور داد که هر کدام تبرّی نکنند به قتل برسند یا شنیدن این دستور ۷ نفر از چهارده نفر استقامت نکرده و از حبس آزاد شدند هفت نفر دیگر بر عقیده خویش ثابت ماندند و به شهادت رسیدند که در آن میان حاج میرزا سید علی دایی بزرگ حضرت اعلی بود هر هفت نفر در میدان سبزه میدان طهران به شهادت رساندند .

اجساد سه روز و سه شب در سبزه میدان باقی بود و هزاران نفر از مردم آنها را پایمال میکردند سنگ میزدند و لعنت میکردند پس از سه روز اجساد را در خارج شهر جنب خندق بین دروازه نو و شاه عبدالعظیم در یک قبر دفن کردند .

### مجلس ولیعهد در تبریز

حضرت اعلی در زندان قلعه چهریق بودند که دستور حکومت رسید آن حضرت را به تبریز ببرند . به فرمان حاجی میرزا آقاسی در تبریز مجلسی آراستند تا آن حضرت را محاکمه کنند . عده ای از

- ۱- تبرّی : بیزاری  
 ۲- عقیده : دین و مذهب  
 ۳- لعنت : نفرین  
 ۴- جنب : کنار جمع  
 ۵- اعلی : بالاتر ، بلندتر ، جنوب ، اجناب

علما در آن مجلس حضور یافتند که از آن جمله ملامحمود  
 نظام العلماء معلم ناصرالدین میرزا ولیعهد و همچنین  
 ملامحمد مقانی و میرزا علی اصغر شیخ الاسلام بودند  
 رئیس جلسه نظام العلماء بود چون همه حاضر شدند  
 رئیس مجلس اشاره کرد که حضرت باب را به جلسه  
 بیاورند چون حضرت وارد جلسه شدند به اطراف نگاه  
 کردند و جز صندلی ولیعهد محلّ دیگری برای نشستن  
 خالی ندیدند حضرت اعلی با کمال شجاعت در محلّ  
 خالی نشستند . سکوت مجلس را فرا گرفته بود نظام —  
 العلماء سکوت را برهم زد و از حضرت باب سؤال کرد  
 شما چه ادعایی دارید حضرت باب فرمودند من همان  
 قائم موعودی هستم که هزار سال است منتظر ظهور او  
 هستید ملامحمد مقانی یکی از حاضرین جلسه که از  
 رؤسای شیخیه بود روبه حضرت باب کرد و گفت . ای  
 جوان بد بخت شیرازی عراق را خراب کردی حال  
 آمده ای که آذربایجان را خراب کنی حضرت باب  
 فرمودند جناب شیخ من به میل خود به اینجایا آمده ام  
 شما مرا به این مجلس آوردید . ملامحمد برآشفت حضرت  
 اعلی گفته خود را تکرار کردند نظام العلماء به حضرت  
 رو کرده گفت شما مدعی مقام بزرگی هستید دلیل شما  
 کدام است؟ حضرت اعلی دلیل حقانیت خود را مانند  
 سایر پیامبران آیات نازل دانستند نظام العلماء گفت

خوب است در وصف این مجلس مانند آیات قرآن آمهاتی  
 بفرمایید تا حضرت ولیعهد و سایر علماء شاهد این  
 برهان باشند حضرت باب آیتی خواندند ملامحمد  
 مقانی فریاد برآورد که اعراب کلمه را خطا گفتم  
 حضرت باب فرمودند در آیات قرآن نیز رعایت قواعد  
 نحوی نشده زیرا کلام الهی به میزان خلق سنجیده  
 نمی شود مردم باید تابع قوانین الهی باشند در  
 سبب جای قرآن خلاف قواعد نحو آیات نازل شده  
 ولی چون حکم الهی است هیچکس جرأت اعتراض ندارد  
 این سؤالات ادامه داشت تا آنکه حضرت اعلی  
 برخاستند و از مجلس بیرون تشریف بردند . نظام -  
 العلماء از طرز برخورد ملامحمد و سایرین با حضرت  
 باب برآشت ملامحمد مقانی نیز با کمال خشم از رویه  
 خود دفاع کرد گفت اگر جلو این جوان را نگیرید طولی  
 نمی کشد که همه اهل تبریز دعوتش را قبول نمایند  
 سخنان ملامحمد افکار حاضران را پریشان ساخت بعد  
 از مشورت تصمیم گرفتند که حضرت باب را به منزل میرزا  
 علی اصغر شیخ الاسلام تبریز برده و مجازات نمایند

- ۱- وصف : ذکر صفات
- ۲- شاهد : حاضر
- ۳- برهان : دلیل
- ۴- رعایت : حفظ کردن
- ۵- قواعد : قانون
- ۶- میزان : قیاس
- ۷- سنجیده : وزن شده
- ۸- تابع : فرمانبردار
- ۹- اعتراض : ایراد گرفتن
- ۱۰- رویه : اندیشه و امور
- ۱۱- پریشان : آشفته

قزاشان حکومتی این امر را اطاعت نکردند شیخ الاسلام حضرت باب رابه خانه خود برد و به دست خود آن حضرت را چوبکاری نمود و یازده مرتبه به پاهای حضرت عالی چوب زد آنگاه حضرت باب را دو مرتبه از تبریز به چهریق برگردانیدند و به یحیی خان کرد سپردند حضرت باب چون به چهریق برگشتند خطبهء قهریه‌ای توسط جناب حجت زنجانی برای حاجی میرزا آقاسی ارسال فرمودند .

### شهادت حضرت باب

پس از حوادث قلعه طبرسی ونیریز امیرکبیر کار را تمام شده ندانست همیشه به اطرافیانش میگفت که برای خاموش ساختن این نهضت کشتن سید باب لازم است اطرافیان امیرکبیر مخالف کشتن سید باب بودند ولی امیرکبیر به نواب حمزه میرزا حاکم آذربایجان خود سراند فرمان داد که حضرت باب را به تبریز بیاورند چهل روز پیش از این حضرت باب تمام الواح و نوشته‌های خود را همراه با قلمدان وانگشتر عقیق و مهر خود را در جعبه‌ای نهاده به ملاً باقر یکی از حروف حی همراه با نامه‌ای دادند تا به میرزا احمد کاتب برساند . میرزا احمد کاتب هم جعبه‌امانتی را در

---

۱- نواب: جانشین‌ها ۲- کاتب: نویسنده

۲- قلمدان: قوطی کوچکی دراز مقوایی یا چوبی که در قدیم قلم و قلمتراش و قیچی و دست‌ها در آن می‌گذاشتند .

طهران برحسب مأموریت خویش به حضرت بهاء الله تسلیم کرد در آن جعبه نامه‌ای بود که حضرت اعلی بر آن پانصد اشتقاق از کلمه بهاء مرقوم فرموده بودند . باری مأمورین حضرت اعلی را به تبریز آوردند بعد از سه روز فرمانی از امیر کبیر به حمزه میرزا رسید که سید باب را بامردانی که ایمانی به او دارند به قتل رساند . حمزه میرزا از اجرای این دستور خودداری کرد لذا میرزا حسن خان برادر امیر کبیر جریان را برای برادر خویش نگاشت امیرفرمان دیگر داد که خودت مباشر این کار باش و تا ماه رمضان نرسیده حکم را اجرا کن . میرزا حسن خان ، فرآشباشی خود را فرستاد که برو سید باب را باهرکس که با اوست به سربازخانه بیاورد و یکی از حجره‌های آن منزل ده . فرآشباشی به دستور برادر امیر کبیر عمل کرد و طلعت اعلی را بدون عمامه و شال کمر با جناب آقا سید حسین کاتب حرکت داد . چون به نزد یک سربازخانه رسیدند میرزا محمد علی زنوزی دو ان دو ان خود را به حضرت اعلی رسانید و دامنشان را گرفت که مرا از خود جدا نفرمایید . فرمودند تو با ما هستی و دو نفر دیگر نیز اظهار خضوع نمودند سربازان هر چهار

- 
- |                           |                             |
|---------------------------|-----------------------------|
| ۱- اشتقاق : کلمه‌ای را از | ۲- بهاء : زیبایی            |
| کلمه دیگر گرفتن           | ۳- مرید : پیرو              |
| ۴- لذا : بنابراین         | ۵- مباشر : مدبر و عامل کاری |
| ۶- حجره : اتاق            | ۷- طلعت : چهره              |
| ۸- خضوع : روتنی ، تواضع   |                             |



نفر را با حضرت باب به یکی از حجره های سربازخانه وارد کردند . در آن شب حضرت اعلی به حاضرین فرمودند شکی نیست که فردا مرا به قتل خواهند رسانید اگر از دست شماها باشد بهتر است یکی از شما برخیزد و با شال کمر مرا بدار بزند .

همه گریستند بجز میرزا محمدعلی زنوزی که برخاست و شال کمر خود را باز نمود تا دستور مبارک را اجرا کند ولی سایرین مانع شدند طلعت اعلی فرمودند همین جوان انیس من خواهد بود و جان خود را نثار خواهد نمود چون صبح شد میرزا حسن خان برادر امیر کبیر نژادشاهی را فرستاد که حضرت اعلی و همراهان راه خانه های مجتهدین برند و از آنها حکم قتل بگیرند . در بین راه آقا سید حسین تکلیف خود را پرسید . حضرت باب فرمودند : بهتر اینست که تو اقرار نکنی تابعی امور را که جز تو کسی آگاه نیست در وقت خود به اهلش اظهار داری .

ابتدا آنان را یک به یک پیش مجتهدین بردند جز میرزا محمدعلی زنوزی کسی اقرار نکرد .  
فردای آنروز حضرت اعلی و میرزا محمدعلی انیس زنوزی را به دو ریسمان که در میدان سربازخانه ازد یوری

- 
- ۱- مانع : جلوگیری کننده ۲- انیس : یار  
۳- نثار : هدیه ۴- اقرار : اعتراف کردن  
۵- نژادشاهی : مأمور ۶- ریسمان : دُتاب  
موظف ، خادم

آویخته بودند بستند . بعد سه صف سرباز ایستادند هر صف دو بیست و پنج نفر . به صف اول دستور دادند صف مزبور شلیک کرده نشستند . صف دوم نیز شلیک کردند و بعد صف سوم دستور را اجرا کردند . دود باروت همه جا را تیره و تار ساخت . چون دود فرو نشست مردم دیدند میرزا محمدعلی ایستاده و لسی حضرت باب غایب بودند همگی ندانند که باب غایب شد سربازان چون جستجو نمودند آن حضرت را در حجره سید حسین کاتب مشغول صحبت دیدند چون سام خان چنین دید سربازان خود را برداشته و بیرون رفت .

فوراً آقا جان خان سرتیپ فوج خمسه حاضر شد و حکم را اجرا کرد .

شهادت حضرت باب در ظهر روز بیست هشتم شعبان سال ۱۲۶۶ هجری رخ داد و سن مبارک — به سال شمسی سی سال و شش ماه بود و از ظهر مبارک شش سال و چهل و چهار روز گذشته بود . عصر آن روز اجساد مطهر باب و انیس را از میان میدان سربازخانه برداشته به کنار خندق در بیرون دروازه شهرانکندند یک روز بعد از شهادت حضرت باب دوتن از احباب نیمه شب آن دو جسد شریف را از کنار خندق به کارخانه حریر بافی یکی از احباب میلان بردند و بعد هر دو

---

۱- شریف: بزرگوار جمع: شرفاء، اشراف  
 ۲- احباب: دوستان مزد: حبیب

جسد را در صندوق چوبی نهاد به محل امنی بردند .  
 بعد از چندی آن دو جسد را به طهران آورده در  
 امامزاده حسن نهادند و پس از انتقال به محل های  
 مختلف بالاخره به فرمان و راهنمایی حضرت عبدالبهاء  
 آن دو رمن مطهر را به حیفا بردند و در مقام اعلی در  
 کوه کرمل نهادند حضرت ولی امرالله ساختمان آن  
 مقام را تکمیل فرمودند و امروزه مقام آن حضرت به مقام  
 اعلی معروف و زیارتگاه احنای دنیا است .  
پیشرفت امر در زمان حضرت اعلی (عهد اعلی)

در زمان حضرت باب یا به عبارت دیگر در عهد اعلی  
 امرالهی در د و کشور ایران و عراق انتشار یافت و  
 دامنه نفوذش از این د و کشور فراتر نرفت پیدا است که  
 این آغاز انتشار امرالله بود به ویژه آنکه عهد اعلی یا  
 در حضرت باب فقط ۹ سال بود .  
 \* تاریخ حیات حضرت بهاءالله قبل از ظهور حضرت رب

اعلی

حضرت بهاءالله چهارمین اولاد از حرم دوم آقا  
 میرزا عباس ملقب به میرزا بزرگ نوری می باشند پس در

- ۱- رمن : جسد ، تربیت ، ۲- مطهر : پاک ، پاکیزه
- مدفن ۳- تکمیل : کامل کردن
- ۴- عهد : به هر یک از دوره های خاص تاریخ بهائی عهد
- گفته می شود مثل عهد اعلی ۵- نفوذ : تأثیر
- ۶- فرا : طرف ۷- اولاد : فرزندان ۸- حرم : همسر (زن)

حضرت بهاء الله از منشیان و مستوفیان دربار قاجار بودند اجداد ایشان از سلسله سپهبدان از پادشاهان مازندران اند که نسبت آنان به یزدگرد ساسانی آخرین پادشاه ساسانی میرسد .

نام حضرت بهاء الله میرزا حسین علی است روز دوم محرم سال ۱۲۳۳ هجری قمری در طهران متولد شدند . چون به حد بلوغ رسیدند به مجالس بزرگان و اشراف راه یافتند و مورد احترام آنان قرار گرفتند . در دوره جوانی از قبول خدمات درباری که آن زمان ارشی بود روگردانیدند و پیوسته از انبیا و عرفا سخن آغاز میفرمودند .

### قیام حضرت بهاء الله بر نصرت امر حضرت اعلی

چون سن مبارک حضرت بهاء الله به بیست و هفت رسید ، ندای حضرت نقطه از شیراز بلند گردید . حضرت بهاء الله کمر خدمت برانتشار امر حضرت اعلی بستند و

- |   |                            |
|---|----------------------------|
| ۱- منشی : نویسنده   | ۲- مستوفی : گیرنده حق      |
| ۳- اجداد : پدر بزرگها   | بطور کامل                  |
| ۴- سلسله : زنجیر  | ۵- سپهبد : سردار و فرمانده |
| ۶- حد : اندازه  | سپاه                       |
| ۹- اشراف : بزرگان   |                            |
| ۱۰- انبیا : خبر دهندگان از خداوند و آنچه مربوط به اوست . خبر دهندگان از غیب یا آینده به الهام |                            |
| الهی ، مفرد : نبی   | ۱۱- قیام : آغاز کردن       |

اولین نقطه ای را که برای انتشار امر حضرت با ب  
انتخاب فرمودند قریه نور بود . از امر جدید سخن  
آغاز فرمودند . بعضی مؤمن شدند و برخی متحیر که  
این جوان را چه توانایی در استدلال است که با هر  
کس از پیر و جوان ، عامی و دانشمند ، مقابله تواند نمود .  
باری آوازه حضرتش در اطراف مازندران پیچید .  
ملا محمد نوری دو نفر از شاگردان خویش را برای  
تحقیق به نور فرستاد اما این دو نفر به عجز خویش اقرار  
کردند و به حقیقت ظهور پی بردند .

حضرت بهاء الله آنگاه به طرف ساری و آمل رهسپار  
شدند و در آنجا با ملا محمد مجتهد به بحث پرداختند .  
اما چون ملا محمد قوت برهان حضرت بهاء الله را دید  
از ادامه بحث خودداری نمود و با تسیحی با استخاره  
پرداخت و گفت بد آمد و ترک مباحثه کرد . آنجا  
حضرت بهاء الله به اطراف سفر فرمودند تا بالاخره به

- 
- ۱- نصرت . نجات دادن      ۲- کمر خد مت بستن : آماده  
۳- مؤمن : اطاعت کننده      شدن برای خدمت  
۴- برخی : قسمتی  
۵- متحیر : سرگردان  
۶- استدلال : دلیل آوردن      ۷- عامی : منسوب به عامه و  
۸- تحقیق : رسیدگی کردن      توده مردم  
۹- عجز : ناتوانی و از عهد  
۱۰- قوت : توانایی      بر نیامدن  
۱۱- استخاره : فال نیک زدن با قرآن یا کتاب مقدس  
دیگرویا با تسیح

طهران مراجعت وبه تبلیغ امر باب پرداختند .  
 در حادثه قلعه طبرسی نیز حضرت بهاء الله همراه  
 بیست نفر به قصد کمک به یاران قلعه به سوی مازندران  
 شتافتند چون به شهر آمل رسیدند میرزا محمد تقی  
 لاریجانی نایب حاکم آمل شبانه منزل آنان را محاصره  
 و حضرت بهاء الله و همراهان را دستگیر نمود روزی در  
 مسجد آمل حضرت بهاء الله در جلوس مردم اقامه دلیل  
 میفرمود . ناگاه جمعیت قصد کشتن آن حضرت را  
 نمودند ولی با تدبیر میرزا محمد تقی لاریجانی  
 دیوار مسجد را خراب کردند و آن حضرت را از دیوار  
 شکسته به بیرون بردند .

### زند ان سیاه چال و اظهار امر خفی مبارک

چون حضرت اعلی به شهادت رسیدند و نفر از  
 پیروان آن حضرت به نام های صادق تبریزی و فتح الله  
 قمی از جمله شش نفری بودند که به سوی شاه تیراندازی  
 کردند روزیکه شاه شکار رفته بود در شکارگاه با طپانچه  
 ساچمه ای به او تیراندازی کردند و مجروح ساختند . از  
 آن پس همه با بیان مورد خشم پادشاه قرار گرفتند .

- ۱ - اقامه دلیل : دلیل آوردن ۲ - تدبیر : در کاری
  - ۳ - خفی : پوشیده اندیشه کردن و عاقبت آن را
  - ۴ - طپانچه : گلوله ریز را سنجیدن
- سری که از تنگهای شکاری بکار می رود .

در این واقعه هشتاد نفر از اصحاب به شهادت رسیدند . حضرت بهاء الله هم که معروف خاص و عام بودند مورد تهمت قرار گرفتند . روز تیر زدن به شاه حضرت بهاء الله در آنچه شمیران مهمان برادر صدر اعظم ( میرزا آقاخان نوری ) بودند . چون این خبر منتشر شد برادر صدر اعظم پیغام فرستاد و از حضرت بهاء الله خواهش کرد که در محلّ مناسبی مخفی شوند آن حضرت قبول فرمودند و به قضای الهی رضادادند و به سوی طهران حرکت فرمودند تا اینکه گرفتار مأمورین دولتی شده و آن حضرت را سربرهنه و پای برهنه به طهران آوردند و به زندان سیاه چال انتقال دادند . زنجیر معروف قره کپر را که وزن آن هفده من بوده گردن مبارکش انداختند و پای آن حضرت را در کند نهادند جمعی دیگر از بابیان را نیز با آن حضرت به زندان افکندند این واقعه در سال ۱۲۶۹ هجری قمری یعنی ۹ سال بعد از اظهار امر حضرت اعلی اتفاق افتاد و در همین زندان بود که برای اولین بار انوار وحی الهی

- 
- ۱- عام : شامل همه ۲- تهمت : افترا
  - ۳- قضا : آنچه به اراده ۴- کند : تگّه چوب ستبر یا بند الهی واقع شود آهنی که به پای زندانیان می بندند
  - ۵- وحی : ندای حق جلّ جلاله که بر قلب پیغمبران می گذرد و مظاهر مقدّسه الهیه آن را احساس می کنند .

بر قلب پاک آن حضرت تابید و اظهار امر سری یا  
 اظهار امر خفی آن حضرت واقع گردید .  
هجرت حضرت بهاء الله از ایران به بغداد و اظهار

امر علنی در بغداد

بعد از آنکه شیخ علی عظیم به عمل خویش در حادثه  
 تیراندازی به شاه اقرار کرد و بی گناهی حضرت بهاء الله  
 در این جریان نزد مقامات دولت ثابت شد به دستور  
 میرزا آقاخان نوری صدر اعظم ناصرالدین شاه حضرت  
 بهاء الله بعد از چهار ماه حبس از زندان سیاه چال  
 طهران آزاد شدند و روانه بغداد گردیدند این  
 مسافرت سه ماه طول کشید . بعد از ورود آن حضرت  
 به بغداد از اصحاب شیخ و سید هرکس در آن دیار  
 بود به دیدن حضرتش شتافت چون آوازه شهرت آن -  
 حضرت همه جا منتشر شد دشمنان به تکاپو افتادند و  
 بنای مخالفت نهادند از جمله یحیی ازل برادر ناتنی  
 آن حضرت و هم چنین سید محمد اصفهانی بود که از  
 قلم حضرت بهاء الله به دنبال معروف گردید دشمنی  
 سید محمد اصفهانی بدان جا رسید که حضرت  
 بهاء الله بایکی از ارادت کیشان خود به نام ابوالقاسم

- ۱- هجرت : از سرزمینی به ۲- علنی : آشکار  
 سرزمین دیگر برای ۳- شهرت : آشکار شدن  
 اقامت رفتن ۴- دنبال : پیوسته



همدانی سر به کوه و بیابان نهادند و به کوه‌های سلیمانیه هجرت فرمودند . با لباس درویشی و با نام درویش محمد در بین مردم مشهور شدند . چندی بعد به کوه سرگلو عزت فرمودند و این گوشه‌گیری تا دو سال ادامه داشت تا آنکه بنا به خواهش اهل بیت مبارک و تقاضای شیخ سلطان پدر زن جناب کلیم حضرت بهاء‌الله به بغداد مراجعت فرمودند .

بار دیگر شوق و شور جدیدی پدیدار گشت و امر الهی حیاتی تازه یافت . کنسول ایران در بغداد دشمنی آغاز کرد و از دربار عثمانی حکم سلطانی را - دایر بر تبعید حضرت بهاء‌الله به اسلامبول گرفت روز سی و دوم نوروز از سال ۱۲۷۹ هجری قمری مطابق ۱۸۶۳ مسیحی حضرت بهاء‌الله از شهر بغداد به باغ نجیب پاشا که بعداً به باغ رضوان معروف شد وارد شدند و در این مکان بود که آن بزرگوار مأموریت آسمانی خویش را علناً آشکار نمود . آن حضرت مدت دو هفته از این باغ ساکن بودند و پس از آن با هفتاد و نفر از اصحاب به طرف اسلامبول رهسپار گشتند .

- |                                     |   |
|-------------------------------------|---|
| ۱- عزیمت : حرکت کردن                | ۲- شور : هیجان  |
| ۳- پدیدار : آشکار                   | ۴- کنسول : نماینده یک   |
| ۵- تبعید : کسی را از شهر بیرون کردن | کشورده یکی از شهرهای کشور بیگانه که وظیفه او رسیدگی به کارهای هموطنانش میباشد |
| ۶- رضوان : بهشت                     |   |
| ۷- ساکن : آرمیده : جمع : ساکن       |   |

سرگونی حضرت بهاء‌الله به اسلامبول وادرنه و عکا و  
اعلان عمومی امر مبارک

حضرت بهاء‌الله روز چهاردهم ذی‌القعدة ۱۲۷۹ هجری قمری نزدیک غروب آفتاب از باغ رضوان به طرف اسلامبول حرکت کردند و در ماه ربیع‌الاول ۱۲۸۰ هجری قمری به آن شهر وارد شدند و در این شهر مدت چهار ماه اقامت فرمودند پس از آن به طرف ادرنه حرکت فرمودند.

در این مسافرت که دوازده روز طول کشید به آن حضرت و عائله مبارکه و اصحاب بسیار سخت گذشت زیرا راه اسلامبول به ادرنه کوهستانی و سرد سیر بود. در ادرنه قریب به ۵ سال اقامت داشتند. در این شهر روش و سلوک مبارک به نوعی بود که اهالی و مأمورین دولت زبان به ستایش گشودند و جمیع نهایت احترام را نسبت به آن حضرت رعایت می نمودند.

ولی میرزا یحیی ازل از ابتدای ورود به ادرنه ب تحریک سید محمد اصفهانی (دجال) بنای دشمنی

- ۱- سرگونی: تبعید
- ۲- عائله: خانواده
- ۳- سرد سیر: سرزمینی
- ۴- قریب: نزدیک
- ۵- روش: عادت
- ۶- سلوک: رفتار
- ۷- اهالی: کسانی که در یکجا سکونت دارند
- ۸- نهایت پایان
- ۹- رعایت: نگهداری و پاسبانی
- ۱۰- تحریک: برانگیختن

گذاشت و به فساد مشغول گردید . در سال ۱۲۸۲ به قصد شهادت حضرت بهاء الله اقدام به مسموم کردن آن حضرت نمود و به این سبب جمال مبارک چند روزی سخت مریض شدند یحیی یار دیگر در منبع آب بیست مبارک سم ریخت و آخرین شرارت او تحریک محمد علی سلمانی به قصد قتل جمال مبارک بود . به این معنی که استاد مزبور چون خدمت حمّام جمال مبارک و اخوان به او واگذار شده بود روزی در موقعی که استاد محمد علی میرزا یحیی را در حمّام شست و شو میداد او از هر دری صحبت به میان آورد تا آنکه پرده از روی نیت سوء خود برمیدارد . استاد سلمانی به محض اطلاع از نیت میرزا یحیی فوراً به حضور حضرت بهاء الله رفته جریان را عرض میکند چون جمال مبارک از اخلاق و اعمال ناشایسته او که تا این اندازه موجب فساد بود ناراحت شدند از آن منزل به منزل دیگر تشریف بردند و در این موقع که سال ۱۲۸۳ بود میرزا یحیی ازل و سیّد محمد اصفهانی را به کلی طرد فرمود و فصل اکبر واقع

- 
- ۱- فساد : بدکاری
  - ۲- اقدام : تسریع در اجرا
  - ۳- منبع : محل بیرون آمدن نمودن ، پیش رفتن در کاری
  - ۴- شرارت : بدی کردن
  - ۵- قصد : متوجه به چیزی
  - ۶- اخوان : برادران
  - ۷- نیت : قصد کردن
  - ۸- سوء : بدی
  - ۹- محض : خالص
  - ۱۰- موجب : علت
  - ۱۱- طرد : دور کردن
  - ۱۲- فصل : فاصله
  - ۱۳- اکبر : بزرگتر

شد در این شهر بود که آن حضرت خطابات عمومی خود را به پادشاهان و رؤسای دینت اسلام و مسیحیت اعلام و اظهار فرمودند و در واقع این مرحله به مرحله اظهار امر عمومی و بین المللی حضرت بهاء الله موسوم گردیده است یکی از الواح مهمه صادره از قلم آن حضرت در ادرنه لوح پادشاه ایران ناصرالدین شاه است که به لوح سلطان معروف است. این لوح مبارک را جناب بدیع که در ۱۲۸۶ در عکا حضور مبارک مشرف گردید دریافت کرد و با شور و عشقی بی مانند با اطلاع از خطرهای این رسالت به دست خود آن را به ناصرالدین شاه در نیاوران تسلیم کرد و او گرفته به شهادت رساندند در سال ۱۲۸۵ هجری فرمانی دایر بر تبعید حضرت بهاء الله به عکا صادر گردید. آن حضرت روز ۲۰ ربیع الاخر ۱۲۸۵ از ادرنه حرکت فرمودند و بیست و دو روز در راه بودند تا به عکا رسیدند. مدت ۲۴ سال در این شهر اقامت فرمودند. دشمنان داخل و خارج بنای دشمنی آغاز کردند.

- 
- |                        |                         |
|------------------------|-------------------------|
| ۱ - خطابات : سخنرانیها | ۲ - اعلام : خبر دادن    |
| ۳ - اظهار : آشکار کردن | ۴ - عمومی : همگانی      |
| ۵ - موسوم : نامیده شده | ۶ - صادره : ظاهر شده    |
| ۷ - بدیع : تازه و نو   | ۸ - حضور : نزد کسی بودن |
| ۹ - مشرف : شرف یافته   | ۱۰ - رسالت : پیغامبری   |
| ۱۱ - تسیم : بخشیدن     |                         |

مخصوصاً دوره ۹ ساله اول اقامت مبارک در عکا بسیار بر آن وجود مبارک سخت گذشت .  
 از طرفی در ایران قتل و غارت نفوس روبه شدت نهاد .  
 حضرت بهاء الله به موجب فرمان سلطان عبدالعزیز در حبس شدید بودند و از معاشرت با مردم شهر عکا ممنوع شدند . بعد از ۹ سال سختی کاهش یافت و درهای آزادی گشوده شد . ایام سپری میشد تا آنکه صعود واقع گردد .

### اشاره مختصری به مقام حضرت بهاء الله

حضرت بهاء الله موعود همه کتابهای آسمانی میباشند هم موعود بیان هستند که حضرت اعلی به نام "مَنْ يُظْهِرُهُ" الله " در آثار خود از ایشان یاد می کنند و هم موعود سایر ادیان : از جمله در کتابهای مقدسه زردشتیان به ظهور شاه بهرام و از نظر مذهب هند و به رجوع

- 
- |   |                        |
|---|------------------------|
| ۱- قتل : آدم کشی  | ۲- غارت : چپاول        |
| ۳- نفوس : شخص انسان   | ۴- حبس : زندان         |
| مفرد : نفس  | جمع : حبوس             |
| ۵- شدید : سخت   | ۶- معاشرت : دوستی      |
| جمع : شداد  | ۷- ممنوع : منع شده     |
| ۸- مَنْ يُظْهِرُهُ اللهُ : کسیکه خداوند او را ظاهر می سازد ، از القاب حضرت بهاء الله ریشارات و اشارات حضرت رب اعلی به ظهور موعود بیان می باشد . |                        |
| ۹- کاهش : کمی   | ۱۰- سپری : پایان یافته |
| ۱۱- مختصر : کم و کوتاه  |                        |

کریشنا و از نظر بودائیان به ظهور بودای پنجم و در کتاب مقدس یهودیان، تورات، به ظهور ربّ الجنود و در کتاب مقدس مسیحیان، انجیل به رجعت مسیح و از نظر اهل سنت به ظهور روح الله و از نظر اهل شیعه به رجعت حسینی بشارت داده شده‌اند .

آثار مهمّ حضرت بهاء الله

۱- کتاب ایقان - این کتاب در سال ۱۲۷۸ هجری قمری از قلم حضرت بهاء الله در اثبات حقانیت حضرت باب و دیانت باب نازل شده .

۲- کلمات مکنونه - در دو قسمت عربی و فارسی نازل شده این کتاب دارای مسائل عرفانی مهم است که بعضی از قسمتهای آن را حضرت عبدالبهاء و حضرت ولّی امرالله تبیین فرموده‌اند . این کتاب که به صحیفه فاطمیّه نیز معروف است در سال ۱۲۷۴ هجری

- 
- ۱- موعود : وعده داده  
۲- مذهب : راه و روش  
۳- رجوع : برگشتن  
۴- ربّ الجنود : خداوند  
۵- رجعت : بازگشت  
۶- بشارت : خبرخوش  
۷- ایقان : محقق ساختن  
۸- آثار : علامتها  
۹- اثبات : ثابت و محقق کردن  
یقین کردن  
۱۰- مکنونه : پوشیده  
عرفان  
۱۱- نازل : پایین آینده  
۱۲- تبیین : بیان کردن  
۱۳- صحیفه : کتاب جمع : صحف ، صحائف

قمری یعنی ۵ سال قبل از اظهار امر علنی در بغداد هنگام گردش در کنار دجله نازل شده است.

۳- کتاب اقدس - این کتاب در سال ۱۸۷۳ -

میلادی مطابق ۱۲۸۹ - ۱۲۹۰ هجری در بیت عبود در عکا نازل شده این کتاب حاوی احکام الهیه و اندازاتی خطاب به رؤسای جمهور و پادشاهان و بعضی از علمای شیعه است.

۴- الواح ملوک و سلاطین - این آثار بین سالهای ۱۲۸۲ تا ۱۲۸۵ هجری در آدرنه نازل شده که از آن جمله لوح سلطان ایران و لوح ناپلئون سوم و الواح ملوک است. در سوره ملوک حضرت بهاء الله امر الهی را به پادشاهان و بزرگان عالم ابلاغ میفرمایند و حقانیت امر حضرت بآب را گوشزد رؤسای قوم میفرمایند. صعود حضرت بهاء الله و کتاب عهدی

حضرت بهاء الله پس از بیست روز کسالت و تسب شدید در شب دوم ذی القعدة ۱۳۰۹ هجری قمری مطابق هفتم نوروز شمسی در سن ۷۶ سالگی در عکا صعود فرمودند مزار پاکشان روضه مبارکه در جنب قصر بهجی در شهر عکاست که قبله اهل بهاست. (۹) روز بعد از صعود، وصیت نامه آن حضرت که

۱- اندازات: ترسانیدن ۲- ملوک: پادشاهان

۳- سلاطین: پادشاهان مفرد: سلطان

۴- گوشزد: یادآوری

به کتاب عهدی معروف است در حضور ۹ نفر از بستگان  
 و اصحاب باز و قرائت گردید و بعد از ظهر همان روز  
 در حضور عدّه بیشماری از اغصان و افنان و احباب  
 تلاوت گردید . به موجب آن فرزند ارشد آن حضرت  
 یعنی حضرت عبدالبهاء جانشین حضرت بهاءالله  
 شدند .

### پیشرفت امر در عهد ابهی

در دوره حضرت بهاءالله دامنه امر جمعاً به ۱۵  
 کشور گسترش یافت یعنی علاوه بر ایران و عراق که در  
 دوره حضرت اعلی در ظلّ امر درآمده بودند به ۱۳  
 کشور زیر نیز امر الهی نفوذ نمود .

- ۱- برمه
- ۲- قفقاز
- ۳- مصر
- ۴- هندوستان
- ۵- لبنان
- ۶- اسرائیل
- ۷- پاکستان
- ۸- سوئدان
- ۹- سوریه
- ۱۰- ترکیه
- ۱۱- ترکمنستان
- ۱۲- آذربایجان
- ۱۳- گرجستان

- ۱- قرائت : خواندن
- ۲- اغصان : شاخه‌ها ، فرزندان و فرزندزادگان ذکور  
 حضرت بهاءالله
- ۳- افنان : شاخه‌ها ، حضرت بهاءالله منتسبین به  
 حضرت اعلی را افنان نامیدند مفرد : فتن
- ۴- احباب : دوستان مفرد : حبیب
- ۵- ارشد : رشیدتر ، برتر ، برومندتر
- ۶- ظل : سایه جمع : ظلال ، اظلال



## \* اشاره مختصر به "شرح حیات حضرت عبد البهاء"

حضرت عبد البهاء نام مبارکشان عباس و فرزند ارشد حضرت بهاء الله می باشند که در شب پنجم جمادی الاولی سال ۱۲۶۰ هجری قمری (همان شب بعثت حضرت اعلی) در طهران در محله عربها تولد یافتند. مادرش نوابه خانم حرم اول حضرت بهاء الله است. نوابه خانم دختر نواب طهران بوده و بعد از ازدواج با حضرت بهاء الله به ام الکائنات ملقب گشت. تا سن ۸ سالگی در طهران بسر بردند و از ۹ سالگی همراه با پدر بزرگوارش به تبعید و حبس تن در دادند. از ابتدای کودکی آثار هوش و ذکاوت فطری در سیمایش نمودار بود. در عنفوان جوانی شرحی بر حدیث (کنت کنزاً مخفیاً) طبق اصطلاحات صوفیه نگاشته که موجب حیرت اهل علم گردید و همه برداشتنش و بینش حضرتش اقرار نمودند. چون همراه پدر بزرگوارش به بغداد ورود فرمودند از طرف پدر ارجمندش به لقب سرالله مخاطب گشتند و

- 
- ۱- عباس : شجاع  
 ۲- ذکاوت : تیزهوشی  
 ۳- فطری : طبیعی  
 ۴- عنفوان : اول و موقع خوب  
 ۵- حدیث : خبر، سخن هر چیز  
 ۶- بینش : بینایی  
 ۷- ارجمند : عزیز و گرامی  
 ۸- سر : راز، اصل، قسمت خوب و خالص هر چیز، باطن و دون، قلب، چیزی مانند روح و جان که محل کشف و مشهود است.  
 ۹- مخاطب : طرف صحبت  
 ۱۰- سرالله : لقب مبارک حضرت عبد البهاء

در زمانی که به عکا تبعید گردیدند به لقب (آقا) ملقب شدند و دیگران حضرتش را (سرکار آقا) می نامیدند حضرت عبدالبهاء در حالیکه بیش از سی سال داشتند با منیره خانم ازدواج کردند و از این اقتران ۶ دختر و ۳ پسر بوجود آمدند که بزرگترین آنها ضیائیه خانم مادر حضرت ولی امرالله است.

### مقام حضرت عبدالبهاء

به نص صریح حضرت بهاءالله در کتاب عهدی حضرت عبدالبهاء مبین منصوص و مرکز میثاق این امر نازنین می باشند و همچنین حضرتشان مثل اعلا دیانت بهائی اند و بعد از صعود پدر بزرگوارش مرکز و محور جامعه امرگردیدند و مانند آینه ای هستند که انوار جلال حضرت بهاءالله را منعکس میسازند و در مقام مقایسه هیچگاه مقام آن حضرت با شارع این آیین و

- 
- ۱- اقتران: ازدواج      ۲- نص: کلام مستند، کلام
  - ۳- صریح: پاکیزه      واضح و صریح
  - ۴- مبین: بیان کننده مقصود حق در آیات و آثار
  - ۵- منصوص: کلام مستند، کلام صریح و بدون احتیاج به تأویل مطلبی که بانص بیان شده باشد.
  - ۶- میثاق: عهد و پیمان      ۷- مثل اعلی: عالی ترین <sup>مشق</sup>
  - ۸- محور: هر که یا هر چیز که امور به دور او بچرخد و او مرکز امور باشد.
  - ۹- جلال: بزرگی      ۱۰- منعکس: عکس پذیرفته
  - ۱۱- مقایسه: با هم سنجیدن      ۱۲- شارع: پیغمبر

و مبشر جمال مبین یعنی حضرت بهاء الله و حضرت باب برابر نیست و خود آن حضرت مقام خویش را چنین بیان فرموده اند :

” . . . نام من عبد البهاء است صفت من عبد البهاء است حقیقت من عبد البهاء است نعت من عبد البهاء است رقیّت به جمال قدم اکلیل جلیل و تاج و هاج من است و خدمت به نوع انسان آیین قدیم من نه اسمی دارد نه لقبی نه ذکری خواهد نه نعتی جز عبد البهاء . این است آرزوی من این است اعظم آمال من این است حیات ابدی من این است عزت سرمدی من .“

- 
- ۱- آیین : مذهب  
۲- مبشر : مژده دهنده  
۳- جمال : زیبایی ، خوبی ، حسن صورت یا سیرت (باطن)  
۴- مبین : آشکار  
۵- صفت : حالت  
۶- حقیقت : اصل هر چیز جمع : حقایق  
۷- نعت : صفت ، وصف جمع : نعوت  
۸- رقیّت : بندگی  
۹- جمال قدم : زیبایی ازلی و جاوید الهی  
۱۰- اکلیل : تاج  
۱۱- جمع : اکالیل  
۱۲- جلیل : بزرگ  
۱۳- و هاج : درخشنده و تابان جمع : اجله ، اجلاء  
۱۴- قدیم : لا اول و بی آغاز  
۱۵- ذکر : یاد کردن ، بیان کردن  
۱۶- اعظم : بزرگترین  
۱۷- آمال : آرزوها مفرد : امل  
۱۸- ابدی : همیشگی  
۱۹- سرمدی : همیشگی  
۲۰- عزت : قوت ، غلبه ، د رنارسی بیشتر به معنای ا تقرام و اربمندی مصطلح است .

## سفرهای تبلیغی حضرت عبدالبهاء به اروپا و آمریکا و

### آثار و نتایج آن

حضرت عبدالبهاء پس از ۶ سال حبس و تبعید در ماه رمضان سال ۱۳۲۸ هجری قمری از شهر عکا خارج گردیدند و به قصد مسافرت به دیار غرب ابتدا به پرت سعید یکی از شهرهای مصر وارد شدند. این سفر که مجموعاً سه سال به طول انجامید فصل نوینی در تاریخ قرن اول بهائی گشود. یکسال از سقوط سلطان عبد الحمید پادشاه عثمانی و همچنین استقرار جسد نقطه اولی در کوه کرمل می گذشت که حضرت عبدالبهاء سفر تاریخی خویش را آغاز فرمودند نزدیک یکماه در پرت سعید توقف فرمودند و بعد قصد مسافرت با کشتی را فرمودند.

اما چون سلامت وجود مبارک اجازه چنین مسافرتی را نمیداد به اسکندریه مراجعت نمودند و در یکی از نقاط اطراف آن به نام رمله اقامت فرمودند سپس به قاهره تشریف فرما شدند و پس از چندی در ماه رمضان ۱۳۲۹ هجری با چهار نفر از خدام رهسپار ماریسی

۱- نتایج: آنچه از چیزی بدست آید

۲- دیار: محلها، شهرها

۳- نوین: تازه، نو ۴- استقرار: قرار گرفتن

۵- خدام: خدمتگزاران مفرد: خادم

در فرانسه گردیدند و سپس به لندن وارد شدند و پس از یکماه اقامت در لندن به پاریس تشریف فرما گردیدند و مدت ۹ هفته در آن شهر اقامت نمودند و بعد دوباره به مصر مراجعت کردند و در رمله اسکندریه اقامت گزیدند. فصل زمستان سپری شد. مجدداً حضرتشان با شش نفر از خدام و یک نفر مترجم در ربیع الاولی ۱۳۳۰ هجری قمری از راه ناپل ایتالیا به آمریکا رهسپار شدند و روز ۱۳ ربیع الاول ۱۳۳۰ هجری قمری به بندر نیویورک وارد شدند و مدت هشت ماه در کشور آمریکا به سفر و ایراد خطابه پرداختند. پس از آن به لندن برگشتند و از آنجا به فرانسه و آلمان و مجارستان و اطیش مسافرت نمودند و روز سوم محرم سال ۱۳۳۲ هجری قمری به پورت سعید مراجعت نمودند و پس از توقف چند ماهه در رمله اسکندریه در اواسط سال ۱۳۳۲ هجری قمری دوباره به عکّا ورود نمودند. حضرت عبدالیهاء در این سفرها تعالیم و اصول امر را به گوش دانشمندان و بزرگان استادان دانشگاهها و روحانیون ادیان مختلف -

- 
- ۱- مترجم: برگرداننده از زبانی به زبان دیگر
  - ۲- ایراد: ذکر خبر نمودن، گفتن
  - ۳- اواسط: میانهها، مفرد: اوسط
  - ۴- تعالیم: دستورات آموزشی
  - ۵- اصول: ریشه، مفرد: اصل
  - ۶- روحانیون: دانشمندان و پیشوایان مذهبی، پارسلیان

فلاسفه و مردم عادی رسانیدند در کلیساها و کنیساها در دانشگاهها و مجالس رجال هر جا که قدم نهادند از تعالیم حضرت بهاء الله و حقایق این آیین داد سخن دادند. به نحوی که گروه بیشماری شیفته بیانات مبارک شده اقبال نمودند و برخی به عظمت و بزرگی این آیین اعتراف نمودند.

به طور خلاصه میتوان گفت که آثار سفر مبارک به غرب بسیار درخشان بود زیرا آن حضرت روح حیات در کالبد پژمرده غربیان دمیدند و آنان را به سرچشمه حیات معنوی که در پرتو آیین حضرت بهاء الله فراهم آمده فرا خواندند.

آثار مهم حضرت عبدالبهاء

۱- مقاله شخصی سیاح - این کتاب تاریخی

- 
- |                                     |                            |
|-------------------------------------|----------------------------|
| ۱- فلاسفه: حکیم، دوستدار علم و حکمت |                            |
| ۲- کلیسا: محل عبادت مسیحیان         |                            |
| ۳- کنیسا: معبد یهود و ترسا          |                            |
| ۴- رجال: مردان                      | ۵- اقبال: مؤمن شدن         |
| ۶- شیفته: عاشق                      | ۷- عظمت: بزرگی             |
| حیران: سرگشته                       | ۸- اعتراف: اقرار کردن      |
| ۹- کالبد: بدن                       | ۱۰- پژمرده: اندوهگین       |
| ۱۱- معنوی: غیرمادی                  | ۱۲- پرتو: روشنی            |
| (روحانی)                            | ۱۳- مقاله: نوشته‌ای درباره |
| ۱۴- سیاح: جهانگرد                   | مباحثی خاص که طبع گردد     |

استدلالی حضرت اعلیٰ و حضرت بهاء الله است .  
 همچنین بعضی از بیانات پند آمیز حضرت بهاء الله  
 ولوح سلطان نیز در آخرین کتاب نقل گردیده است .  
 حضرت عبدالبهاء این کتاب را در سن ۳۴ سالگی  
 یعنی شش سال قبل از صعود حضرت بهاء الله به رشته  
 تحریر در آوردند .

۲- مفاوضات - این کتاب یکی از آثار مهم آن  
 حضرت است مسائل فلسفی با زبان ساده و شیرین  
 بیان شده است این کتاب در جواب سؤالات شفاهی  
 خانمی از احبای غرب تدوین شده و در حقیقت جواب  
 به سؤالات خانم بارنی برسر میزهار است که بعداً  
 تدوین و نشر گردید . . . . .

در فصل اول این کتاب درباره نقش پیامبران در  
 تربیت انسان گفتگو شده است .  
 در فصل دوم راجع به دیانت حضرت مسیح سخن  
 به میان آمده در فصل سوم از علامات و کمالات فرستادگان

- ۱- نقل : بیان کردن سخن و مطلبی ، قصه گفتن
- ۲- مفاوضات : مذاکره و مباحثات علمیه ، یا ادبیه
- ۳- شفاهی : سخنی که روبرو و به لب و زبان گفته شود
- ۴- تدوین : جمع آوری کردن
- ۵- نشر : پخش کردن کتاب
- ۶- مبداء : آغاز و ابتداء و سرچشمه جمع : مبادی
- ۷- معاد : بازگشت

خداوند سخن رفته است در فصل آخر سخن از مبداء و معاد بمیان آمده است.

۳- خطایات مبارکه - حضرت عبدالبهاء در سفرهای اروپا و آمریکا بیاناتی خطاب به دانشمندان ، بزرگان ، پیروان ادیان مختلف ، دانشجویان ، فلاسفه ، مردم عادی ایراد فرمودند که حاوی نکات بسیار ارزنده اجتماعی و فلسفی و تربیتی و هم‌چنین شرح تعالیم مبارکه حضرت بهاء‌الله و فراخواندن مردم به پیروی از این تعالیم است.

حضرت عبدالبهاء پیام آسمانی پدر بزرگوار خویش را در کلیساها و کنیساها و معابد به‌گوش جهانیان رسانیدند مجموعه این سخنان و بیانات مبارکه در دو جلد کتاب به نام خطایات مبارکه فراهم آمده است.

۴- مکاتیب عبدالبهاء - حضرت مولی‌الوری در زمان حیات مبارکشان الواحی برای احتیای ایران و سایر کشورها و همچنین خطاب به بعضی از بزرگان ادیان نازل فرمودند . قسمتی از این آثار و الواح

۱- حاوی : در بردارنده ، شامل

۲- نکات : مطالب دقیقی که با دقت نظر معلوم گردد

۳- ارزنده : با ارزش ، قیمتی

۴- معابد : عبادتگاهها

۵- مکاتیب : نامه‌ها

۶- مولی‌الوری : سرور مهربان



مبارکه تا کنون در هشت جلد به نام مکاتیب عبد البهاء  
گرد آوری و نشر شده است.  
پیشرفت امر مبارک در دوران حضرت عبد البهاء (عهد

### ميثاق)

امر الهی که در دوره حضرت اعلی به دو کشور و  
در دوره حضرت بهاء الله به پانزده کشور رسیده بود  
در دوره حضرت عبد البهاء به بیست کشور دیگر نیز  
سرایت نمود که جمعاً سی و پنج کشور می باشد.  
بیست کشور که در عهد ميثاق یعنی مدت ۲۹ سال  
به ظل امر الله در آمدند عبارتند از:

- ۱- اردن
- ۲- استرالیا
- ۳- اطریش
- ۴- آفریقای جنوبی
- ۵- آلمان
- ۶- آمریکا
- ۷- انگلستان
- ۸- ایتالیا
- ۹- برزیل
- ۱۰- تونس
- ۱۱- چین
- ۱۲- روسیه
- ۱۳- حجاز
- ۱۴- ژاپن
- ۱۵- سوئیس
- ۱۶- فرانسه
- ۱۷- کانادا
- ۱۸- مجارستان
- ۱۹- هاوایی
- ۲۰- هلند.

### صعود حضرت عبد البهاء و الواح وصایا

حضرت عبد البهاء در تاریخ ۲۸ ربیع الاول سال  
۱۳۴۰ هجری قمری ساعت ۱/۵ بامداد در حالی که  
۷۸ سال از سن مبارکش می گذشت از جهان خاک به  
عالم پاک شتافتند و در جوار مقام حضرت باب آرمیدند.

۱- سرایت: جریان یافتن ۲- وصایا: پندها

۳- جوار: همسایگی

در دوران حیات پر افتخار خود امر الهی را تا آنجا که در قوه داشتند بگسترده و تعالیم حضرت بهاء الله را منتشر نمودند با صعود حضرت عبدالبهاء عصر رسولی که ابتدایش از ظهور حضرت باب آغاز میگردد به پایان رسید .

بعد از صعود آن مرکز پیمان وصیت نامه مبارک که به الواح وصایا معروف است باز شد و در حضور جمعی از یاران شرق و غرب خوانده شد طبق الواح وصایا حضرت شوقی افندی نوه دختری حضرت عبدالبهاء به مقام ارجمند ولایت امر برگزیده شدند .

\* اشاره مختصر به شرح حیات حضرت ولی امر الله

حضرت شوقی ربّانی فرزند برومندی است که از پدر به افغان و از مادر به اغصان منسوب است پدرش میرزا هادی افغان و مادرش ضیائیه خانم دختر بزرگ حضرت عبدالبهاء است در ۲۷ رمضان ۱۳۱۴ هجری قمری متولد گردیدند و در دامان پرمهر و محبت پدر بزرگ خویش حضرت مولی الوری تربیت یافتند . در دوران کودکی به آموختن زبان فارسی و عربی همت گماشتند و در دانشگاه بیروت و دانشگاه آکسفورد به تحصیل ادامه فرمودند بیش از ۲۴ بهار از سن مبارکشان نمی گذشت که خبر صعود مرکز میثاق به ایشان رسید .

- 
- ۱- قوه : قدرت  
 ۲- ولایت : اداره کردن  
 ۳- منسوب : قوم و خویش  
 ۴- همت : کوشش و سعی

در اوان جوانی بار سنگین مسؤلیت اداره امر رابه دوش گرفتند و تا آخر حیات دقیقه‌ای آرام نجستند و به خدمت امر نازنین پرداختند .  
مقام حضرت ولی امرالله

به موجب الواح مبارکه وصایا حضرت عبدالبهاء مرکز میثاق حضرت شرقی افندی " . . . آیت الله و غصن ممتاز و ولی امرالله و مرجع جمیع اغصان و افتنان و ایادی - امرالله و احبباء الله است و مبیین آیات الله بخوبی از این بیان مبارک پیدا است که آن وجود مبارک دارای دو مقام بودند مقام ولایت امر و مقام تبیین آیات .  
اقدامات مهمه و پیشرفت و انتشار امرالله در دوران

### ولایت حضرت ولی امرالله

حضرت ولی امرالله در دوران سی و شش ساله ولایت امر اساس امرالله را تحکیم و حقایق دین الله را تشریح و نظم بدیع جهان آرای الهی را گسترده و تأسیسات جدید بنیان نهادند و احببا را در سراسر جهان به انجام خدمات امریه از طریق تشکیلات اداری

۱- غصن : شاخه اصلی که از تنه جدا میشود جمع : اغصان

۲- ممتاز : برتر و بهتر از سایرین

۳- ولی : نگهبان

۴- مرجع : شخصی که به او مراجعه می کنند

۵- تحکیم : محکم و استوار ساختن ۷- بنیان : پایه

۶- تشریح : شرح دادن مطلب ۸- طریق : راه

تشویق و یاران را تدریجاً از تعلقات قدیمی و اصول عادات ادیان سابق رهایی بخشیدند و به اجرای تعالیم مبارکه و وصایای حضرت عبدالبهاء دلالت فرمودند .

تشکیلات امری که در دوران حضرت عبدالبهاء به صورت تشکیلات مرکزی بود . در دوران حضرت ولیّ امرالله به صورت محافل ملیّه و لجنات گسترش یافت . وظایف تشکیلات امری و طریقه اداره امور امری از طرف آن حضرت معین گردید و به همت محفل ملیّ بهائیان آمریکا مجموعه ای به نام کتاب "نظامات بهائی" تهیه و راهنمای هیأتها و لجنات و محافل روحانیه قرار گرفت حضرت ولیّ امرالله در اجرای فرمانهای تبلیغی حضرت عبدالبهاء ابتدا محافل محلی را که پایه و اساس

۱- تشویق : به شوق آوردن ۲- تدریجاً : درجه به درجه

۳- تعلقات : امور و اشیا پیش رفتن

مورد علاقه ۴- سابق : گذشته

۵- دلالت : راهنمایی ۶- محافل : محلهای جمع کردن

۷- لجنات : جمعی که برای اظهار نظر و یا تنظیم امری مجتمع گردند .

۸- وظایف : تکلیف و آنچه ۹- معین : تعیین شده

رعهدده شخص باشد ۱۰- نظامات : نظم و ترتیب

۱۱- هیأت : گروه خاص ۱۲- اساس : پایه

نظم اداری بهائی بشمار میروند تحکیم فرمودند و سپس بر روی این اساس محافل ملی را که به منزله ستون می باشند استوار داشتند و پس از تحکیم و تقویت اساس این محافل ملی آنها را به اجرا نقشه های تبلیغی و مهاجرتی ملی راهنمایی و تشویق فرمودند و بعد از پایان موقتیت امیز کلیه نقشه های ملی به طرح نقشه منیعه ده ساله جهانی اقدام فرمودند و همه این اقدامات و طرح نقشه های مهاجرتی چه به وسیله محافل ملی و چه به وسیله آن حضرت به منظور اجرای فرمانهای تبلیغی حضرت عبدالبهاء و تهیه مقدمات تأسیس دیوان عدل الهی انجام گرفت. نتیجه و آثار این همه اقدامات و طرح یا تصویب نقشه های مهاجرتی و تبلیغ امرالله در سراسر گیتی آن بود که امرالهی در دوران حضرت ولی امرالله به ۲۵۴ کشور نفوذ و گسترش یافت نظری به جدول زیر بیشتر می تواند پیشرفت امرالهی را در دوران حضرت ولی امرالله روشن نماید.

- 
- ۱- استوار: محکم، پای برجا ۲- تقویت: نیرودادن
  - ۳- مهاجرت: ازجایی به جای دیگر رفتن و درانجامنزل کردن
  - ۴- منیعه: استوار و بلند
  - ۵- اقدامات: پیش رفتن در کاری
  - ۶- طرح: پیشنهاد کردن
  - ۷- تأسیس: بنا کردن
  - ۸- دیوان: دادگاه الهی
  - ۹- نتیجه: آنچه از مقدمات بنیاد نهادن
  - ۱۰- تصویب: گفتن یا عملی را حاصل شود
  - ۱۱- گیتی: دنیا
  - درست دانستن

کشورهای در ظلّ امر

۳۵	در زمان حضرت عبدالبهاء
۲۵۴	در زمان حضرت ولیّ امرالله
۲۱۹	تفاوت

ترجمه آثار به زبانهای مختلف

۱۴	در زمان حضرت عبدالبهاء
۲۳۷	در زمان حضرت ولیّ امرالله
۲۲۳	تفاوت

محافل روحانی

۲۰۰	در زمان حضرت عبدالبهاء
۱۰۰۰	در زمان حضرت ولیّ امرالله
۸۰۰	تفاوت

مراکز امری

۵۰۰	در زمان حضرت عبدالبهاء
۴۵۰۰	در زمان حضرت ولیّ امرالله
۴۰۰۰	تفاوت

در دوران حضرت غصن ممتاز مشروعات امری روبه گسترش نهاد مقام حضرت باب در ارض اقدس بناگردد مشارق الاذکار یکی پس از دیگری در قاره های مختلف عالم

- ۱- گسترش: پهن شدگی
  - ۲- مشروعات: تأسیسات شرعیّه - امور مفید و مطابق دین
  - ۳- مشارق الاذکار: محل اشراق ادعیه و اذکار - مفید بهایی که محلّ عبرت و مناجات و ذکر خداوند است.
- مفرد: مشرق الاذکار

سربه آسمان کشید . حظائر قدس در سراسر گیتی تأسیس  
شدند موقوفات ملی زوبه ازدیاد نهاد .  
آثار و توقیعات مهم حضرت ولی امرالله

حضرت ولی امرالله آثار خویش را به سه زبان فارسی  
عربی و انگلیسی صادر فرمودند . این آثار شامل  
تالیفات ترجمه ها و توقیعات مبارکه است که مهمترین آنها  
عبارتند از :

۱- لوح قرن که در نوروز سال ۱۰۱ بدیع از قلم  
مبارک صادر شد . در این لوح وقایع مهم دنیا در مدت  
یکصد سال از زمان ظهور حضرت باب تا موقع تألیف  
کتاب تشریح گردیده است .

۲- ظهور عدل الهی که اصلش به زبان انگلیسی برای  
بهائیان غرب نازل گردید .

۳- نظم اداری بهائی ، که حاوی چند ابلاغیه خطا  
به بهائیان امریکاست .

۴- کتاب قرن بدیع که در شرح تاریخ امر خطاب  
به احبای غرب و به زبان انگلیسی صادر گردیده است و

۱- قاره : هریک از قطعات پنجگانه عالم

۲- حظائر قدس : این نام را حضرت ولی امرالله برای محل  
تجمع و مشورت و ملاقات احباب و تشکیل مجالس و محافل

انتخاب و اطلاق فرمودند . مفرد : حظیره القدس

۳- موقوفات : وقف شده ، بخشیدن چیزی برای کاری مخصوص

۴- ازدیاد : زیاد شدن

۵- توقیعات : نوشته

۶- صادر : ظاهر شده

۷- تالیفات : نوشتن کتاب

۸- مفرد : تألیف

ترجمه (گاد پاسزبای) میباشد .

۵- روز موعود فرا رسید ، شامل مسائل مهم امری در زمینه عقاید دیانت بهائی و اندیشه جهانی بودن این پیام الهی است .

حضرت ولیّ امرالله برخی از آثار مبارکه را نیز به انگلیسی ترجمه فرموده اند که از آن جمله می توان لوح ابن ذئب - منتخبات آثار حضرت بهاءالله - کلمات مکتوبه - کتاب ایقان و تاریخ نبیل و مناجاتهای حضرت بهاءالله و حضرت عبدالبهاء را نام برد .

صعود حضرت ولیّ امرالله

حضرت ولیّ امرالله در تاریخ چهارم نوامبر ۱۹۵۷ در سنّ شصت و یکسالگی در اثر سکنه قلبی در عالم خواب صعود فرمودند آن مولای عزیز در مدت سی و شش سال شب و روز در قیقه ای نیار میدند و کوشش خویش را صرف حفظ و نگاهداری امرالله و انتشار آن در سراسر جهان فرمودند . هنگامیکه بر حسب السواح وصایا به سمت ولیّ امر تعیین گردیدند بیش از بیست و چهار بهار از عمر مبارکش نمی گذشت . در ابتدا ای جوانی این بارگران را بردوش کشیدند و تا آخرین دم حیات با

۱- عقاید : ایمان ، آنچه در ضمیر و باطن مورد قبول و

یقین باشد مفرد : عقیده

۲- ذئب : گرگ ۳- نیار میدند : آرام نگرفتند

۴- ایقان : محقق ساختن - به یقین رسانیدن

۵- حسب : طبق ۶- گران : سنگین





و به زیارت روضه مبارکه مقام حضرت بهاء‌الله شتافتند پس از آن ۹ نفر از ایادی که از بین کلیه ایادیان امرالله انتخاب شده بودند همراه حضرت روحیه خانم مهرهای صندوق آهنین و میز تحریر حضرت ولیّ - امرالله را برداشتند و پس از بررسی محتوی آنها تصدیق نمودند که حضرت ولیّ امرالله از خود وصیت نامه‌ای به جای نگذاشته‌اند و بیت العدل اعظم الهی نیز بعداً تأیید نمودند که حضرتشان دارای فرزندی نمی‌باشند و از اغصان هم کسی نیست که بتواند به این سمت برگزیده شود.

از همان زمان بود که به وسیله کلیه ایادیان ۹ نفر ایادی امرالله انتخاب و در ارض اقدس مقیم شدند و عهده دار امور و حفظ و حمایت امرالله در سراسر جهان تا زمان تشکیل بیت العدل اعظم گردیدند.

تأسیس دیوان العدل الهی

بیت العدل اعظم که برطبق نصوص مبارک رکن قانون- گذاری است درست بعد از گذشتن یکصد سال از اظہار-

- 
- ۱- مدنیّت: تقدّن
  - ۲- مرحله: هردوره
  - ۳- احتفال: گرد آمدن و انجمن آراستن، تشکیل محفل
  - ۴- روضه: باغ
  - ۵- بررسی: تحقیق
  - ۶- محتوی: داخل بودن
  - ۷- تصدیق: راست دانستن
  - ۸- سمت: مقام
  - ۹- برگزیده: انتخاب شده
  - ۱۰- گرد آمدن: جمع آمدن
  - ۱.۱- حمایت: یاری کردن

امر علی جمال ابهی یعنی در تاریخ اول عید سعید  
 رضوان سال ۱۹۶۳ تأسیس گردید . تأسیس این مرکز  
 منصوص همزمان با خاتمه موثقت آمیز نقشه روحانی ده  
 ساله بود . در آن تاریخ نمایندگان ۵۶ محفل روحانی  
 ملی از سراسر جهان در ارض اقدس گرد آمدند و طبق  
 نصوص مبارکه به انتخاب اولین دیوان عدل الهی  
 پرداختند . بیت عدل اعظم مرجع کل امور است و  
 مؤسس قوانین و احکامی است که در نصوص الهیه موجود  
 نیست .

دیوان عدل الهی در ابتدای تأسیس اساسنامه‌ای  
 برای خود تنظیم نمود که به موجب آن هر ۵ سال یکبار  
 کلیه محافل روحانی ملی وظیفه دارند به انتخاب  
 مجدد بیت عدل اعظم اقدام کنند . بر همین اساس  
 دومین دیوان عدل اعظم در تاریخ رضوان ۱۹۶۸ با  
 شرکت نمایندگان ۸۱ محفل روحانی ملی در ارض اقدس  
 انتخاب گردید .

- ۱- اساسنامه : مواد و شرایطی که برای تشکیل انجمنی  
 تنظیم و بر روی کاغذ نوشته شده باشد .
- ۲- تنظیم : نظم دادن و مرتب کردن کارها
- ۳- مجدد : تجدید شده

## شرح اعلام تاریخ امر بهائی مربوط به جزوه حد اقل معلومات امری

ابوالقاسم همدانی : همسفر جمال مبارک در کردستان که جمال مبارک مبلغی به وی عنایت فرمودند که به کسب و تجارت مشغول شود و از این راه مصارف لازمه راتبیه نماید لیکن پس از مدت کوتاهی ابوالقاسم مورد حمله دزدان واقع شده مقتول گردید .

احساء : ناحیه ای است در خلیج فارس و در مشرق شبه جزیره عربستان . شهری است مشهور از بحرین .

احسن القصص : در قرآن مجید شرح داستان حضرت یوسف را احسن القصص نامیده اند .

ارض اقدس : منظور عکا و حیفا است .

اسکندریه : یکی از بنادر مهم کشور مصر که حضرت عبدالبهاء به آنجا سفر نمودند .

اسلامبول : یا استامبول شهر بندری و عظیم ترکیه است حضرت بهاء الله نزدیک ۴ ماه از ۱۶ اگست تا ۱۷ دسامبر ۱۸۶۳ در آن مدینه تشریف داشتند .

اشرف : سید علی اشرف زنجانی جوانی نورانی که در نهایت مظلومیت و استقامت و شجاعت در میدان شهادت نریاد یا بها کشید و در زنجان به شهادت رسید .

آقا سید یحیی دارابی : به دلیل کلمه وحید کشفی مراجعه شود .

آقا میرزا عباس : نام پدر حضرت بهاء الله و پدر بزرگ حضرت تبدالبهاء می باشد .

آقا سید حسین کاتب: ملقب به عزیز از بحروف حی و کاتبان وحی حضرت رب اعلی بودند که در طهران بعد از واقعه رمی شاه به شهادت رسیدند .

امّ اشرف: عنبر خانم مادر محترم جناب سید اشرف که برای نصیحت فرزند به تبری او را به زندان بردند وی به فرزند گفت: ای پسر در امرالله مستقیم باش مباد اخوف نمایی و یا از مشرکین مضطرب شوی .

امّ الکائنات: از القاب حضرت آسیه خانم همسر مبارک حضرت بهاء الله می باشد .

امیرکبیر: منظور میرزا تقی خان فرزند مشهدی قربان آشپزباشی است که در دوره ناصرالدین شاه نخست وزیر شد . شهادت حضرت باب و بسیاری از بابیان به فرمان او انجام گرفت ولی خودش یکسال ونیم بعد از شهید ساختن حضرت اعلی مورد خشم سلطان قرار گرفت و از صدارت برکنار گشته و سرانجام کشته شد .

انیس: به میرزا محمد علی زنوزی مراجعه شود .

انجیل: کتاب آسمانی مسیحی ها که توسط متی ، لوقا ، مرقس ، یوحنا که از حواریون حضرت مسیح بودند نوشته شده است .

اهل سنت: مذهب بزرگ اسلام که به خلاف شیعه ، ابوبکر را بعد از حضرت رسول ، خلیفه اول میدانند و عمرو عثمان را خلفای دوم و سوم .

ایادی امرالله: در شریعت ابهی به معنای علم به خادمین براننده امرالله گفته می شود . ولی به معنای خاص عنوان عظیم خدقی است که به معدودی از خادمین نداکار و

جانفشان امرالهی است که از طرف حق باوظائف سنگین و وسیع تبلیغ و صیانت میثاق الله و حفظ روحانی و معنوی احباء الله انتخاب گردیدند .

حضرت بهاء الله ۴ نفر و حضرت ولی امرالله ۲۷ نفر را به این عنوان انتخاب فرمودند .

ایقان : از مهمترین آثار حضرت بهاء الله است . این کتاب مبارک در سال ۱۲۷۸ ( ۱۸۶۲ م ) در پاسخ سؤالات جناب سید محمد خال اکبر در طی دو شبانه روز نازل گشته است .

ایلیاء نبی : از انبیاء بنی اسرائیل است . حضرت عبدالبهاء در لوحی در جلد ۵ مائده آسمانی میفرمایند : " . . . در انجیل وعده آمدن ایلیا و حضرت مسیح است و آن حضرت باب و حضرت بهاء الله اند . " باب الباب : لقب جناب ملا حسین بشرویه ای به کلمه " ملا حسین مراجعه شود .

بار فروش : نام قدیم شهر بابل ، یکی از شهرهای دوازده گانه استان مازندران که محل تولد و شهادت جناب قدوس بوده و از این لحاظ شهرت دارد .

باغ رضوان : بستان نجیبیه در خارج بغداد است که از ۲۲ اپریل تا ۳ می ۱۸۶۳ در مسیر حرکت به سمت اسلامبول محل اقامت حضرت بهاء الله و خانواده مبارکه و اصحاب قرار گرفت و در آن مکان اظهار امر آشکار حضرت بهاء الله واقع شد .

بیان عربی : در ماکو توسط حضرت باب نازل گشته و

نسبت به بیان فارسی مطالب کمتری دارد .  
بیان فارسی : کتاب وحی شده به حضرت ربّ اعلیٰ در  
 ماکو در این کتاب مبارک تعالیم و احکام شریعت جدید  
 و بشارات صریحه به ظهور حضرت بهاءالله موجود می باشد .  
بیت العدل اعظم الهی : به دیوان عدل الهی  
 مراجعه شود .

بیت عبود : حضرت بهاءالله بعد از خروج از قشله  
 عسکریه ، در داخل قلعه عکابه مدّتی قریب یکسال در  
 سه خانه محقر و پست اقامت فرمودند و بعد به خانه  
 عودی خمار که شخصی مسیحی بود نقل مکان فرمودند  
 این منزل را بیت عبود گویند .

تبریز : شهریست مرکز آذربایجان شرقی در دوران  
 قاجار محلّ حکمرانی ولیعهد قبل از جلوس بر تخت  
 سلطنت بوده . این شهر محلّ شهادت حضرت ربّ  
 اعلیٰ و جناب انیس می باشد .

تفسیر سوره یوسف : حضرت ربّ اعلیٰ تفسیری بر  
 سوره یوسف مرقوم فرموده اند که معروف به تفسیر احسن -  
 القصص یا قیوم الاسماء می باشد .

تورات : کتاب آسمانی یهودیان است .  
جناب بدیع : لقب اقا بزرگ خراسانی فرزند حضرت  
 حاجی عبدالمجید نیشابوری که توسط جناب نیل  
 زرنندی به امر مبارک مؤمن شد و در سنّ ۱۲ سالگی  
 پیاده به عکا رفت و به حضور حضرت بهاءالله مشرف و  
 حامل لوح سلطان گردید که آن را پدیده به طهران

برد و در نیاوران به دست ناصرالدین شاه رسانید و در همانجا بعد از شکنجه‌های سخت به شهادت رسید .  
جناب حجّت : جناب ملا محمد علی مجتهد زنجانی که در اوائل ظهور حضرت باب با ملاحظه چند آیه از تفسیر سوره یوسف ایمان آوردند و به تبلیغ امر پرداختند ، در تاریخ ۵ ربیع الاول ۱۲۶۷ هـ . ق در واقعه قلعہ زنجان شهید شدند .

جناب قدّوس : لقب میرزا محمد علی با فروشی است که در سال ۱۲۳۸ د ربایل ( با فروش ) متولد شدند و از تلامذه جناب سید کاظم رشتی شدند و پس از اظها را مر حضرت ربّ اعلی به ایشان ایمان آوردند و آخرین حرفی می باشند پس از ایمان در سفر به مکه معظمه در رکاب حضرت اعلی بودند و پس از بازگشت اقدامات شجاعانه بسیاری به شهادت رسیدند .  
جناب کلیم : لقب جناب میرزا موسی برادر مؤمن و باوفای حضرت بهاء الله میباشد .

چهریق : شهری در دورترین سرحدّ ایران در آذربایجان که زندان حضرت اعلی بوده .

حاج سیّد علی : نام شریف دایی حضرت ربّ اعلی میا شد که در اوّل ظهور ایمان آوردند و سرآمد شهدای سبعه طهران گردیدند .

حاج میرزا آقاسی : صدراعظم محمد شاه که نهایت ظلم را در حقّ حضرت باب و مؤمنین به آن حضرت مجبری داشت . امّا طولی نکشید که خود مورد غضب سلطان قرار گرفت و دارائش اخذ شد و با فقر به آستانه



عبدالعظیم پناه برد و بعد مخفیانه به کربلا گریخت  
 و در آنجا به سال ۱۲۵۶ با خفت و خواری مرد .  
حاجی میرزا جانی کاشانی : از مؤمنین اولیه حضرت  
 اعلی که در واقعه رمی شاه در سیاه چال طهران  
 زندانی و به موهبت شهادت در راه حق فائز شدند .  
حدیث گنت گنز : حدیث مشهوری به این معنی است که  
 خداوند میفرماید : "من به منزله یک گنج پنهانی بودم ،  
 پس دوست داشتم که شناخته شوم لذا مردم را فریدم  
 تا شناخته شوم " تفسیر بدیع حضرت عبدالبهاء در  
 این باره در ۵۴ صفحه اول مکاتیب جلد ۲۲ درج می باشد  
حروف حی : حی به حساب ابجد برابر ۱۸ می باشد و  
 حروف حی نیز ۱۸ نفر از مؤمنین اولیه به حضرت باب  
 بودند .

حسینخان ایروانی حاکم فارس : بعد از وفات محمدشاه  
 اهالی شیراز که از ظلم او به جان آمده بودند سر به  
 شورش برداشته عزل او را خواستار شدند .  
حضرت باب : پیامبر الهی — مؤسس دیانت بابی —  
 مبشر به ظهور حضرت بهاءالله .

حضرت اعلی : یکی از القاب حضرت باب است .  
حضرت طاهره : نام مبارکشان فاطمه متولد ۱۲۳۳ هـ .  
 در قزوین از حروف حی حضرت ربّ اعلی که به مقام  
 الهی حضرت بهاءالله عارف بودند . بعد از واقعه  
 رمی شاه در طهران به سن ۳۶ سالگی به شهادت  
 رسیدند . حضرتشان از طرف جناب سید کاظم رشتی

به قُوَّة الْعَيْنِ واز طرف حضرت بهاء الله به ظاهره ملقب شدند .

حضرت بهاء الله : لقب موعود جمیع ملل و امم و مظاهر مقدّسه الهیّه و موعود جمیع کتب آسمانی می باشند .

حضرت مَنْ يُظهِرُهُ اللهُ : از لقب های حضرت بهاء الله است . حضرت رب اعلی به موعود بزرگی که پس از ایشان ظاهر خواهند شد به لقب مَنْ يُظهِرُهُ اللهُ یاد می نمایند .

حضرت عبد البهاء : لقبی است که خود حضرت مولی -

الوری برای خویش انتخاب فرمودند . نام حضرتشان

عبّاس و نرزند ارشد حضرت بهاء الله بودند . تولّد

مبارک ، هم زمان با شب اظهار امر حضرت ربّ اعلی

در لیله ۵ جمادی الاولی . ۱۲۶۰ هـ . ق در بیت

مبارک نزدیک دروازه شمیران در طهران واقع گردید .

بعد از صعود حضرت بهاء الله به نصّ قاطع کتاب عهدی

و الواح دیگر مرکز عهد و میثاق الهی و بیان کننده

آیات الله گشتند . صعود حضرت عبد البهاء در سنّ

۷۷ سالگی ۱ بعد از نیمه شب ۲۸ ربیع الاول سنه ۱۳۴۰

هجری قمری در حقیقت اتفاق افتاد .

حضرت ولی امر الله : به حضرت شوقی افندی مراجعه

شود .

حضرت نقطه : از لقب های مبارک حضرت ربّ اعلی است .

حضرت مولی الوری : این اصطلاح در نماز و دعاها

و بعضی الواح مبارکه ، جزو صفات الهی آمده است

اما بعد از صعود جمالقدم ( حضرت بهاء الله ) ، حضرت

عبد البهاء را به این اصطلاح مبارک نیز ذکر نمودند که بتدریج جزء لقب های آنحضرت، نزد احببایش گردید .  
حضرت شوقی افندی : نام مبارک حضرت ولی امرالله میباشد . حضرتشان نوه دختری حضرت عبد البهاء و نرزند نوه برادر همسر مبارک حضرت اعلی بودند .  
 حضرت ولی امرالله در اول مارچ ۱۸۹۷ برابر ۲۷ رمضان ۱۳۱۴ در بیت عبداللّه پاشاد رعگا متولد شدند و بعد از صعود حضرت عبد البهاء به نص قاطع الواح وصایا ، ولی شریعت ابهی و مولای عزیزتر از جان و روان اهل بها گشتند و در ۴ نوامبر ۱۹۵۷ صعود فرمودند محل استقرار عرش مبارکشان در مدینه لندن است که زیارتگاه اهل بها میباشد .

حضرت روحیه خانم : همسر مبارک حضرت ولی امرالله میباشند .

حیقا : شهرست که مقام اعلی در آن جا واقع شده و مرکز روحانی و اداری جامعه جهانی بهایی می باشد .  
خانم بارنی : یکی از مؤمنین آمریکائی امر مبارک که به خدمات زیادی مفتخر شدند .

خد بجه بیگم : همسر حضرت رب اعلی می باشند ایشان دختر عموی ماد ران حضرت بودند و در سال ۱۲۹۹ هـ.ق ( میلادی ۱۸۸۱ ) در شیواز صعود کردند که به نص حضرت بهاء الله همه کسانی که در روز و شب صعود ایشان صعود نمودند مورد عفو عفران الهی واقع گشته اند .

خطبه قهریه: توقیعی از حضرت اعلیٰ خطاب به حاجی میرزا اقا سی صدراعظم محمد شاه در تویخ او. در دانشگاه آکسفورد: در شهر آکسفورد (انگلستان) که زبانهای فارسی و عربی و دروس مربوط به اسلام نیز در آن تدریس می شود.

دانشگاه بیروت: در شهر بیروت (لبنان) واقع شده. دجال: در نبیوات مسیحی و اسلامی خصوصاً در شیعه اثنی عشری دجال شخصی است پرفریب و مکار که از خراسان یا کوفه یا اصفهان در زمان ظهور موعود ظاهر می شود و بر خری سوار است و آذوقه بسیار دارد و جمعی به او می گروند ولی عاقبت کشته می شود. در این ظهور اعظم دجال لقب سید محمد اصفهانی است که در مدرسه صدراصفهان درس می خواند و بایی شد و بعد متزلزل گردید و چون بسیار حسود و بد طینت بود از همان ابتدا بر عظمت حضرت بهاء‌الآ حسد برد و به تحریک یحیی ازل پرداخت و در بغداد و آدرنه و عکا فتنه‌ای نمود که ایجاد نمود و خیانت و تحریک و دسیسه‌ای نمود که انجام نداد وی در عکا کشته شد.

دیوان عدل الهی: بیت عدل عالی‌ترین جمع انتخابی در دیانت بهائی است که تصمیمات آن جمع مؤید به الهامات الهیه است و آن هیأت مقدسه‌ای است مرکب از ۹ نفر رجال احناء الله در عالم که وسیلهٔ اعضاء محافل ملتیه

جهان در نهایت روحانیت و توجّه و خلوص انتخاب  
میگردند .

دیانت اسلام : نام دیانت حضرت محمّد  
رب الجنود : موعود تورات و لقب حضرت بهاء الله .  
رساله خالویه : نام اوّلیه کتاب مستطاب ایقان است  
که در بغداد در جواب سوالات و حلّ مشکلات  
جناب خال اکبر نازل شد .

روح الله : لقب دیگر حضرت عیسی میباشد .  
روضه مبارکه : مزار پاک و مقدّس حضرت بهاء الله کنار  
بهجی در عکا است که قبله اهل بهاء است .  
زردشتی : به پیروان زردشت گفته می شود که در حدود  
۷۵۰ سال بعد از حضرت موسی و قبل از حضرت  
مسیح در نواحی آذربایجان به رسالت مبعوث شدند .  
زندان سیاه چال : حبس انبار طهران است که  
به مدت ۴ ماه حضرت بهاء الله در آن زندان تاریک و  
بدبویا کند و زنجیر محبوس بودند .

سامخان : اصلاً مسیحی و یکی از انسران نظامی روسیه  
بود که در جنگهای ایران و روسیه در زمان فتحعلیشاه  
به مدت سپاه ایران اسیر شد و بعد از دیانت مسیحی  
به اسلام گرائید، به خاطر حسن رفتار اصحاب منجذب  
گشته از ایشان حمایت نمود و مانع ظلم به آنها گردید .  
سید علی محمّد : نام شریف مبارک حضرت ربّ اعلی  
است .

سید ذکر : در قرآن " ذکر " بر شخص پیغمبر و کتاب خدا

اطلاق گشته است. سید کاظم رشتی: شاگرد و جانشین لایق جناب شیخ احمد احساسی که کلاسهای درس شیخ احمد را اداره فرمودند و شاگردان خود را آماده تحقیق در باره ظهور حضرت موعود نمودند.

سوره یوسف: سوره دوازدهم قرآن مجید است. سید کاظم زنجانی: از مؤمنین اولیه که در واقعه مازندران و قلعه به شهادت رسید.

سعید العلماء: ملاح سعید که از علماء بابل و از دشمنان سرسخت امرا لله و جناب باب الباب و جناب قدّوس و اصحاب قلعه طبرسی بود و بالاخره حضرت قدّوس را به شهادت رسانید و چند سال بعد (۱۲۷۰ هـ. ق) به مرض بد و عجیبی وفات یافت و خانه و قصرش زباله دانی گردید که در تواریخ مذکور است.

سلیمانخان: پسر یحیی خان از مؤمنین و عشاق حضرت اعلی بودند. بعد از واقعه شهادت ایشان موثق به انتقال عرش اطهر مولایش از کنار خندق به کارخانه ابریشم گردید و خود بعد از واقعه رمی شاه اسیر و در طهران شمع آجین شد و تا حین شهادت از فرط شوق با اجراحات و سوزش شمعها رقصید.

سید محمد اصفهانی: به دنبال مراجعه شود. سلیمانیه: منطقه و شهر است کرد نشین در شمال عراق عرب و نزدیک مرز ایران که سابقه تاریخی و بسیار قدیمی دارد، حضرت بهاء الله یکسال بعد از ورود به

بغداد بدون اطلاع کسی برای مدت ۲ سال به کوههای این منطقه (سرگلو) هجرت فرمودند و عزلت گزیدند.

سلطان عبدالعزیز: خلیفه عثمانی و اسلامی است که در سال ۱۸۶۱ بعد از برادر خود عبدالمجید به سلطنت رسید و عامل سرگونیهای مظهر الهی در کشور عثمانی گردید و در نتیجه دچار مشکلات عظیمه شد و حتی قسمتهایی از متصرفات عثمانی از نفوذ وی خارج شده و مستقل گشتند. در سال ۱۸۷۶ - برکنار و محبوس شد و دو هفته بعد وی را مرده یافتند. حضرت بهاءالله در اسلامبول لوحی خطاب به او و وزرایش نازل فرمودند که توسط شمسی بیک (مأمور دولت که در خدمت مبارک بود) به دست صدراعظم او داده شد.

سید محمد خال: بزرگترین دایی حضرت اعلی که بعد از ملاقات حضرت بهاءالله در بغداد و نزول کتاب مستطاب ایقان در جواب سؤالاتشان به امر مبارک ایمان آوردند و تا آخر حیات مؤمن بودند.

سوره ملوک: از مهمترین الواح نازل در ادینه میباشد که به زبان عربی خطاب به پادشاهان ارض به طور عموم و سلطان عثمانی و وزیران او و نمایندگان سیاسی در دربار عثمانی و بزرگان و مشایخ قوم و فلاسفه عالم نازل شده است.

سرکار آقا: حضرت عبدالبهاء در کودکی در خانوا

به عنوان آقا خوانده شده معروف گردیدند و در آثار اولیه خود "آقا" امضاء میفرمودند و بعد از وقوع صعود حضرت بهاء الله خود را عبد البهاء نام و شهرت کردند .

سلطان عبد الحمید : ( ۱۹۱۸ - ۱۸۴۲ ) دومین عبد الحمید از سلاطین عثمانی است او پادشاهی بسیار مستبد بود و قتل عام آرامنه در زمان او واقع شد و هم او بود که دستور قلعه بندی و تشدید محصوریت حضرت عبد البهاء را در سال ۱۹۰۱ صادر کرد تا اینکه خود در ۱۹۰۹ به نهایت ذلت برکنار و زندانی شد .

شیخ احمد احسائی : در امر مبارک بهایی مقام شیخ احمد احسائی بسیار رفیع است چه که مبشر عالیقدر به ظهور حضرت ربّ اعلی بود .

شرح الزیاره : از تألیفات مشهوره شیخ احمد احسائی است که بین شیعیان شهرت دارد .

شرح قصیده : کتابی که جناب سید کاظم رشتی در شرح قصیده<sup>۴</sup> لامیه نوشته اند .

شیراز : محل تولّد و اظهار امر حضرت ربّ اعلی است .

در حال حاضر مرکز استان فارس است .

شیعه : مذهب بزرگ اسلامی که پیروانش معتقد به امامت و خلافت حضرت علی بعد از حضرت رسول

می باشند .

شریف مکه : ناه وی شریف سلیمان بن عون بود . حضرت



اعلی توقیعی خطاب به وی نازل و او را دعوت به قبول و تبعیت از امر حق فرمودند و توسط جناب قدّوس ارسال فرمودند ولی او در آن موقع به واسطه اشتغال به امور دیگر و کثرت غرور توجّهی به تلاوت و زیارت توقیع مبارک ننمود .

شیخ ابوتراب اشتیاری : از علماء بابیه که در زندان طهران وفات یافت .

شیخیه : نام مکتب مذهبی مهمّی در شیعه می باشد .  
شاه عبدالعظیم : از نوادگان امام حسن مجتبی که در شهر ری صعود کردند و در همانجا مدفون می باشند .  
شیخ علی عظیم : از علمای مشهور خراسان و مؤمنین اولیه در سفر اوّل جناب باب الیاب به خراسان می باشند که متحمّل سختی های شدید شدند . در تبریز حضرت ربّ اعلی به ایشان اظهار قائمیت فرمودند جناب عظیم جزو محبوسین سیاه چال بودند و برای خلاصی حضرت بهاء الله و سایر زندانیان بیگناه اعتراف به مسئولیت خویش در مورد عمل زشت صادق تبریزی و فتح الله قمی و ابوالقاسم تبریزی در رمی شاه نمودند که در نتیجه ایشان را به وضع بدی شهید کردند .

صحیفه ناطمیّه : یا کلمات مکنونه یا صحیفه مکنونه میباشد . کلمات مکنونه عربی و فارسی اوائل به صحیفه ناطمیّه مشهور بود . و شیعه اثنی عشریه را انتظار چنانکه حضرت موعود صحیفه ناطمیّه بیاورد .

صوفیه: مکتب عرفانی که به اسامی مختلفه در مذاهب هند و بودایی و یهود و نصرانی وجود داشته است و در اسلام از قرن سوم هجری ظاهر گشت.

عمارت خورشید: ساختمانی در شرق چهلستون در اصفهان متعلق به نظام الدوله از وزرای فتحعلیشاه .  
عهد اعلی: دوره شریعت حضرت اعلی است به مدت

۹ سال از ۱۸۴۴ تا ۱۸۵۳ میلادی .

عثمانی: نام خاندان حکومتی و خلافت اسلامی بعد از

عباسیان است که از سال به سلطنت رسیدن عثمان

اول در ۶۹۹ هجری، برابر ۱۲۹۹ میلادی تا ۱۳۴۲

هجری برابر ۱۹۲۲ به مدت ۶۴۳ سال قمری طول

کشید و طی این مدت ۳۶ خلیفه حکومت کردند .

عکا: از قدیمی ترین شهرهای عالم بر ساحل مدیترانه

در فلسطین است . حکومت عثمانی عکا را تبعیدگاه

محکومین به حبس ابد ساخت زیرا مرکز حشرات مودیه

و کثافات بود و آبش شور و تلخ و هوایش آنچنان بد و

متعفن که به قول مشهور اگر پرنده عبور میکرد می افتاد .

این شهر از ۳۱ آگست ۱۸۶۸ تبعیدگاه و زندان

حضرت بهاء الله و خانواده مبارکه گردید . حضرت

بهاء الله جمعا ۲۴ سال تا ۲۹ می ۱۸۹۲ در عکا

تشریف داشتند .

عهد ابهی: دوره حیات حضرت بهاء الله است پس

از اظهار مبارک تا آخر حیات به مدت ۳۹ سال .

عباس: اسم مبارک حضرت عبدالبهاء میباشد .

عبد البهاء مراجعه شود .

عهد میثاق : دوره رهبری شریعت ابهیی به وسیله حضرت عبد البهاء است به مدت ۲۹ سال از ۱۸۹۲ تا ۱۹۲۱ میلادی .

عصر رسولی : مجموع سه عهد اعلی ، ابهیی و میثاق که به مدت ۷۷ سال شمسی از اظهار امر حضرت باب در ۱۸۴۴ تا صعود حضرت عبد البهاء در ۱۹۲۱ - ادامه داشت .

فتحعلیشاه : برادر زاده آقا محمد خان قاجار و دومین سلطان قاجاریه است که از سال ۱۲۱۲ تا ۱۲۵۰ سلطنت کرد .

ناطمه بیگم : نام مبارک مادر محترم حضرت ربّ اعلی میباشد . ایشان در کربلا مؤمن و در سال ۴۰ بدیع در کربلا صعود کردند .

ناطمه : نام شریف حضرت طاهره به کلمه طاهره مراجعه شود .

نصل اکبر : طرد و فصل یحیی ازل میباشند که در ۱۸۶۶ در آدرنه واقع شد .

قرآن : نام کتاب آسمانی اسلام است که به حضرت محمد در طی ۲۳ سال دوران رسالتشان وحی میشود .

قائم : از لقب های حضرت ربّ اعلی ( برابر اخبار و - بشارات قبل ) . در شیعه اثنی عشریه لقب امام دوازدهم امت که هنوز منتظر ظهورشان هستند .  
قائم آل محمد یعنی قیام کننده از دودمان حضرت محمد .

قم: از شهرهای قدیمی و زیارتی ایران در ۱۵۰ کیلومتری جنوب غربی طهران است که مدفن حضرت معصومه دختر حضرت امام موسی کاظم یا خواهر حضرت رضا می باشد .

قره کَلْبَن: از دهکده های ری - در نزدیکی طهران .  
قُرَّةُ الْعَيْن: از لقب های حضرت طاهره است به کلمه طاهره مراجعه شود .

قلعه طبرسی: محلی است در رمازند ران ، حول مقبره شیخ طبرسی که در آن جنگی بین اصحاب و مؤمنین اولیه حضرت اعلی و نیروهای دولتی در گرفت در این واقعه جناب ملاحسین بشرویه ای و تعداد بسیاری از اصحاب شهید شدند .

قزوین: یکی از شهرهای قدیمی است در شمال غربی طهران .

قوه کهر: نام زنجیری است که در سیاه چال برگردن مبارک حضرت بهاء الله وهم زندانی های آن حضرت گذاشته بودند ، این زنجیر انقدر سنگین بود ( حدود ۵ کیلو ) که سر و شان را خم مینمود و در حال نشسته چانه رابه زانو می رسانید و دوشاخه ای زیر آن قرار می دادند تا قامت را بتوان راست نمود ، اشراین زنجیر تا آخر الحیات در وجود مبارک باقی بود .

قصر بهجی: بنایی ساده و زیبا در خارج شهر عکا در اسرائیل کنونی است این بیت متعلق به عودی خمار بود که به جهت شیوع بیماری در آن نواحی بیست را

ترک کرد و حضرت عبد البهاء آنرا جهت سکونت حضرت  
 بهاء الله اجاره و بعد خریداری فرمودند .  
کربلا: محل شهادت حضرت امام حسین د رسال ۶۱  
 هجری میباشد که شهری است زیارتی د ر جنوب غربی  
 بغداد

کاشان: شهرست قدیمی د شمال شرقی اصفهان که  
 از ابتدای ظهور جمال رحمن مؤمنینی مخلص و  
 جانفشان از آن شهر برخاسته اند .  
کوه کرمل: کوهی است مقدس د ر حینا که د آثار ادیان  
 سابقه یدان بشارتهای عالیهداده شده است و در قلبش  
 مقام اعلی ، جایگاه بیت العدل اعظم قرار دارد .  
کریشنا: د ر آئین ودا یا هند ویا برهما همان  
 ویشنو خداوند حیات و حافظ جهان و محبوب  
 انسان است و کریشنا رجعت این خدا به این  
 دنیا است .

کلمات مکنونه: به صحیفه ناطقیه مراجعه شود .  
کتاب اقدس: کتاب مقدس دیانت بهائی است که  
 حضرت بهاء الله د زندان عکا نازل فرمودند . کتاب  
 مستطاب اقدس به زبان عربی و شامل تعالیم اصلی و  
 اساسی برای هدایت عالم انسانی است .  
کتاب عهدی: لوح وصیت حضرت بهاء الله است .  
 این لوح د ر کتاب ادعیه حضرت محبوب ص ۴۲ تا  
 ۴۱ د رج است .

لوح سلطان : در آدرنه از حضرت بهاء‌الله به ناصرالدین شاه در ۱۲۸۴ هـ . ق برابر ۱۸۶۷ میلادی نازل و از عکا به سال ۱۲۸۶ به وسیله جناب آقابزرگ خراسانی ملقب به بدیع برای سلطان ایران فرستاده شد .

لوح ابن ذئب : یا لوح شیخ از آثار حضرت بهاء‌الله است که شامل مطالب مهمه عمومیه متعدده میباشد . این لوح به نام لوح شیخ نجفی نیز معروف است .  
مهدی موعود : بنا به اعتقاد اهل سنت موعودی است که در روز قیامت ظهور کرده و پس از او حضرت مسیح رجعت می‌کند . اما شیعیان اعتقاد دارند که همانا فرزند غائب امام حسن عسکری موعود اسلام است که ظاهر می‌شود و نیز رجوع شود به قائم .

مدینه : نام شهر بسیار مهم مذهبی و تاریخی در شمال شرقی مکه است و بعد از هجرت حضرت رسول از مکه به آن شهر به مدینه مشهور گردید . مرقد مقدس حضرت رسول در آن شهر می‌باشد .

ملاحسین بشرویه : اول مؤمن به حضرت باب ملقب به باب‌الباب .

مکه : شهر قدیمی و بسیار مبارکی است که به علت وجود خانه کعبه در آن شهر، از قبل از اسلام ، به قولی از زمان حضرت آدم و حضرت نوح و حضرت ابراهیم ، شهر مقدس و دارای پرستشگاه اعظم بوده است . حضرت محمد در مکه متولد شدند و تا سن ۵۳

سالگی در آن شهر اقامت داشتند .  
محمد شاه : فرزند عباس میرزا و سومین پادشاه قاجار  
 است که از ۱۲۵۰ تا ۱۲۶۴ هـ . ق سلطنت نمود و  
 ظهور حضرت ربّ اعلی در زمان او واقع شد . ظلم‌های  
 این سلطان و وزیرش میرزا آقاسی در کتابهای تاریخی  
 نوشته شده است .

منوچهر خان معتمد الدوله : اصلشان از خانواده ای  
 مسیحی و گرجی بود و لقب معتمد الدوله پس از فوت  
 معتمد الدوله نشاط به ایشان داده شد . در زمان  
 فتحعلیشاه و محمد شاه مکرر حکومت مناطق مختلفه ایران  
 رایافتند . در زمان ظهور حضرت باب حاکم مقتدر  
 اصفهان بودند و پس از تشرف به حضور مبارک مؤمن و  
 منجذب شدند . از قلم مبارک حضرت عبدالبهاء زیارت  
 نامه ای پرافتخار برای ایشان نازل گردیده است .  
ماکو : کوه معروف در آذربایجان که حبس ۹ ماهه حضرت  
 اعلی در آنجا اتفاق افتاد .

ملا محمد علی بارفروش : رجوع شود به جناب قدّوس .  
ملا محمد علی حجّت الاسلام زنجانی : به جناب حجّت  
 مراجعه شود .

محمود خان کلانتر : کلانتر طهران که سبب شهادت  
 حضرت طاهره و شهید ای سبعه طهران شد و چندی  
 بعد مورد غضب ناصرالدین شاه واقع گردید و به طرز  
 بدی کشته شد .

ملا محمد نظام العلماء : معلّم ناصرالدین شاه و یکی از

حاضرین در مجلس ولیعهد بود که ریاست جلسه را به‌عهده داشت.

ملا محمد ممقانی : از بزرگان علمای شیخی که در مجلس ولیعهد حضور داشت و از جمله کسانی بود که فتوای قتل حضرت اعلی را امضاء نمود .

میرزا علی اصغر شیخ الاسلام : یکی از حاضران مجلس ولیعهد که به دست خویش ۱۱ ضربه برپای حضرت باب وارد آورد در همان سال به مرض فلج مبتلا شد و پس از صدمات زیاد در نهایت ذلت و فلاکت درگذشت.

ملا باقر حرف حی : از جمله حروف حی که بیشتر از سایرین عمر کرد و به شرف ایمان به حضرت بها<sup>۱</sup> الله<sup>۲</sup> فائز گردید و در اسلامبول صعود کرد .

میرزا احمد کاتب : نام دیگر ملا عبد الکریم قزوینی از کاتبان وحی حضرت ربّ اعلی است که بعد از واقعه<sup>۱</sup> رمی شاه در طهران شهید شدند .

میرزا محمد علی زنوزی : ملقب به انیس که عاشقانه با مولایش حضرت ربّ اعلی شهید گردید و این لقب را از قبل حضرت اعلی به او عنایت فرموده بودند .

میلان : شهری در آذربایجان .  
مقام اعلی : مزار مقدّس حضرت ربّ اعلی برکوه کرمیل است .

محمد علی سلمانی : شاعر معروف از جمله بابیان اولیه که به حضرت بها<sup>۱</sup> الله<sup>۲</sup> ایمان آورد و در معیت حضرت بها<sup>۱</sup> الله<sup>۲</sup> به‌عکا رفت .



مسیح : لقب مبارک حضرت عیسی می باشد . مادر ایشان مریم عذرا و پدر رسمی آن حضرت یوسف ناصری از سلاله حضرت داود بود . حضرت مسیح در ۳۰ سالگی مبعوث شدند و بعد از ۳ سال رسالت به صلیب کشیده شدند .

منیره خانم : نام اعطایی حضرت بهاء الله به همسر حضرت عبدالبهاء می باشد . اسم اصلی ایشان فاطمه بود .

مفاوضات : از فرمایشات و تہنات حضرت عبدالبهاء که در جواب سوالات خانم ہارنی در سرناہار در مکان نازل شده است .  
میرزا ہادی افغان : نام پدر حضرت ولی امر اللہ . ایشان فرزند آقا سید محمد حسین فرزند جناب حاج میرزا ابوالقاسم برادر همسر مبارک حضرت اعلی بودند .

نجف : از شهرهای مذہبی عراق در ۷۵ کیلومتری کربلا و مدین حضرت علی است .  
نقطہ آخری : لقب جناب قدّوس آخرین نغراز حروف حی است کہ حضرت بہاء اللہ در لوح کلّ الطعام بہ ایشان عنایت فرمودند .

ناصرالدین شاہ : سلطان ایران بعد از محمد شاہ بود کہ شہادت حضرت ربّ اعلی و سجن جمال ابہی و شہادت ہزاران شہید مجید از جملہ حضرت بدیع بہ فرمان با بہ تصویب او واقع گردید .

نوابہ خام : لقب مبارک حضرت آسیہ خانہ همسر محترم

حضرت بهاء الله و مادر بزرگوار حضرت عبدالبهاء و  
 حضرت غصن اطهر و حضرت بهائیه خانم (ورقه  
 مبارکه علیا) می باشند .

وحید گشتی یا جناب آقا سید یحیی دارابی : از علمای  
 عصر خود میباشد . جناب آقا سید یحیی دارابی از  
 طرف محقق شاه مأمور تحقیق امر حضرت باب شدند که  
 منجر به ایمان ایشان و تشریحشان به حضور حضرت  
 بهاء الله در طهران گردید . شهادتشان در واقعه  
 نیریز رخ داد . لقب وحید را حضرت ربّ اعلی به  
 ایشان اعطا فرمودند .

یحیی تعمید دهنده : حضرت یحیی معمدانی مبشر  
 عظیم الشان حضرت مسیح بودند که از سنّ ۳۰ سالگی  
 در کنار رود اردن مردم را غسل تعمید و توبه و بشارت  
 به ظهور حضرت مسیح میدادند . خود نبی مستقل و  
 صاحب احکام و امت بودند که در بعضی الواح و در  
 قرآن بدان اشاره گردیده است . حضرت یحیی به  
 مظلومیت شهید شدند .